

نایب قونسول انگلیس (مستر چیک) مجدداً ۱۹
 شهر جال بهمت بهمان رهپلو گردید. بهار امسال
 این صفحات خالی از تابشا و مسرت نیست، یقین است
 در این تفریح و شکار برایشان خوش خواهد گذشت
 شبندم معاون المالك میرزا مهدی خان منشی صوله الدوله
 پس از ملاقات نمودن سردار ارفع و والی پشتکوه
 و رفتن بستان مجلاً یوم ۲۰ وارد بوشهر گردید
 ۱۹ ع ۱ امیر برکت خان حاکم جاشک و بیابان
 را با جهاز برس پلیدس وارد و در خانه آقا
 عبدالرسول کلانتر حبس نظر کردند، همان روز از
 طرف قونسولخانه انگلیس اعتراضی بنایب الحکومه
 شد که میر برکت مقصر است باید در دارالحکومه
 محبوس باشد، نایب الحکومه کلانتر را طلبید اعتراض
 قونسولخانه را باو ارائه نمود جواب داد من بر
 حسب دستور عمل دریایی او را محضماً باید نگاه
 داری کنم هرگاه حکمی مجدد در این خصوص از
 حکمران ارائه دهید او را تسلیم شما میبایم، مردم
 چنین نقل میکنند که مشار الیه کرده است من هیچ
 تقصیری بجز خدمت نمودن و پاس حقوق دولت علیه
 ایران نمودن و گول اجاب نخوردن از خود سراغ
 ندارم، من همین قدر می دانستم که شرف من بزرگی
 من در این است که بجز اطاعت بدولت متبوعه
 خود منقاد و مواجب خور دیگری نباشم، چنانچه
 وعده از شهریه سیصد روپیه فقط مواجب شخصی
 بجز از اتباع خود گذشت نموده اعتنائی نکردم تا
 آنکه اموال را آتش زدند و باین بلیه دچارم نمودند،
 من مردی صاف و ساده هستم سر رشته سلوک
 طریق تدویر و خدعه ندارم، درس پلٹیک امروزی
 را نخوانده ام، حیرانم میدانم چه جرمی برای خود
 بتراشم، گویا جرمی بالاتر از رشوه نگرفتن و مواجب
 قبول نمودن نیست، همینکه دریاییکی به جاشک آمد
 مرا طلبید اجابت کرده در جهاز ملاقات ایشان
 رقم مرا بباسی آورد در عباسی روزی بن فرمود
 امروز مهان کپتان جهاز هستم باید بجهاز بروم
 من هم قبول نموده باتفاق ایشان بجهاز آمدم
 هنگام مراجعت بن فرمود من بباسی میروم شما
 باید ببوشهر بروید فوراً جهاز لشکر برداشت و مرا
 ببوشهر آورد

تشویق و ترغیب ملت برای استقراض بوشهر رسیده
 است انجمن ولایتی بوشهر چون کالعدم است و از
 این وجود ناقص جز تأیید خیالات خاشین و مضار
 ملت چیزی تولید نمیشود و تمام هم خودشارا در
 استتار اعمال و استحکام امور حکومت نموده اند
 هیچوقت باین کاو ها خیال اقدام هم ندارند زیرا
 هیچ يك از افراد ملت اطمینان یکدیگر آنها
 ندارد اعمال و افعالشان شان و مزایای برای ایشان
 نگذارده است بدلاوه آنهایی که فی الجمله مورد اعتماد
 و اطمینان بودند ناچار کناره گرفتند. اکنون انجمن
 منحصر بکلاه ثلثه شده است و بطور حتم جز
 در ضرر ملت اندامی نموده و نمی نمایند، در این
 هفته در منزل جناب حاجی سید محمد رضا مجلسی
 مرکب از عطاء بلد و تجار و اعیان منعقد گردید
 از حسن اهتمام میزبان محترم و حاجی تیس التجار
 و آقا سید اسدالله حارقاتی و تظلمایه مریحانه
 فیما بین چند نفر معتبرین تجار مبلغ چهل هزار تومان
 معین نمودند که بدولت قرض بدهند فوراً بطهران
 مخبره نمودند که این مبلغ حاضر است و درکارند
 که شصت هزار تومان دیگر جمع آوری نموده
 اطلاع دهند، چون هنوز از قوه فعل نیامده بود
 اسامی ایشانرا اظهار نیکبیم، اگرچه در آن بیك
 نفر که از صباوت عمر به بدترین احوالی میگردد
 و سوانح عمری او بهر کوی و برزن مشهور و
 معروف است بزبان مازی مانع از اقدام در این
 معامله وطن خواهانه شرف آمیز بوده و لکن
 آفتاب بکل سرشته از استبداد و معجون از . .
 او اندود نگردید، و حسن ملی آقایان بجوش آمده
 بجهت دادن قرض بر یکدیگر سبقت می نمودند، ما
 امیدواریم که این حسن ظن جدید درباره آدین
 پیوسته مزید گردد و عن قریب از حسن اهتمامات
 ایشان انجمن صحیح ولایتی و عدلیه و بلدیہ دائر
 و برقرار گردد . . دریاییکی در صدد حرکت
 بوشهر است، سروکار او معلوم نیست نه او میداند
 حاکم است و نه مردم میدانند که محکوم . .

در ایضا بوشهر

پس از وصول تلگراف کبیریون استقراض
 آذربایجان بدو و تلگراف حضرت اشرف آقا

وزیر **استاد** اخیراً **تجار** و **الانباء** بوشهر بسبب نسیبت
 مانع قوی بودن دریا یکی در بندر عباس وسیله
 رای پیشرفت مقاصد ملیه در رفع اتهامات نفاذیه
 از این موقع نیافته با یک وجد و سرور عاشقانه
 رای معرفی خود که تعبیر بحضور و اقدام در جلب
 مصالح نوعیه و مساعدت بدوات میشود حاضر شده ،
 روز جمعه ۲۷ ربیع الاول را در منزل جناب حاجی
 سید محمد رضا تاجر کازرونی بنوان ضیافت و میهمانی
 و حسب دعوت مخصوص از میزبان معظم حاضر
 شدند ، آقای آقا سید اسدالله خارقانی و آقای
 سعدالسلطان کارگذار مهام خارجه که اولین مهیج و
 مشروطه خواه حقیقی بشمارند نیز بر حسب دعوت در
 آن مجلس به بیت پاک شرف حضور بهم رسانیدند ، آقای
 خارقانی با بیانات رشیده که مبتنی بر وجوب دادن
 استقراض بدوات محبوب خود و تصحیح و احادیث و
 عوامانی که توصیفش از این شکسته قلم بر نمی آید
تجار را مهیج شدند ، آقای سعدالسلطان کارگذار
 نیز ادله حسیه و تصحیح سود مند و قدر و قیمت
 مشروطیت را که برینخن خون طاهر حیوانان ایران
 و آذربایجان و اسارت و قتل بسا ، تحصیل شده
 است هیئت حاضره را مستعد قبول همه گونه تکالیف
 فرمودند ، جناب حاجی سید رضا بهبهانی مشهور به
 (صفا) لایحه مهیجی ترتیب داده بودند که آن لایحه
 را جناب آقا سید محمد دکتر باحاطات خارجی که
 سبب مهیج و تأثر نام شد قرائت نمودند ، پس
 از آن هیئت **تجار** درجه اول که در مجلس **تجارت**
بوشهر مؤسس و عضو هستند دریک اوطاق مخصوص
 دور هم نشسته مذاکرات لازمه نمودند در همان
 مجلس مخصوص که مرکب از ده نفر **تجار** درجه
 اول بود مبلغ چهل هزار تومان نقد برای استقراض
 دولت حاضر شد و مبلغ شصت هزار تومان دیگر
 را نیز تمهید کردند که بعد از وصول قانون نامه
 استقراض از ناحیه مقدسه دوات مرکزی جمع آوری
 نموده بپردازند ، نمیتوان از انصاف گذشت حرارت
 و هیجان و استقامت و نبات قدسی که کاملاً از جناب
 حاجی سید محمد رضا دیده شد ، شهیدالله بذل
 مجاهدت جناب حاجی عبدالرسول رئیس **التجار** و جناب
 حاجی محمد باقر بهبهانی شایسته هزار گونه تمجید و
 تعظیم است در دیل میخواهم مرض کنم که **تجار** و

اهالی بوشهر همیشه خود را تمدن و مشروطه خواهی
 و حسن قومیت و ملیت و حرارت اسلامیت و ابراهیمیت
 معرفی نموده اند ، متنا این است که چون شخص حاکم را
 مخالف اقدام و مساعدت در امور ملی می بینند در
 حضورش بملاحظاتی تقیه می کنند ، و انشاء الله همینکه
 دریایی از بندر عباس ولتکه بوشهر آمد و اهالی
 آنجا ها هم طابع قوی را مقنود یا غایب دیدند ، یقین
 دارم از این دو بندر هم اقلاً یکصد هزار تومان
 تهیه خواهد شد ، بملاوه کان بل یقین قطعی نگارنده
 بر این است که اگر دریایی از حکومت بنادر منصل
 شود کمتر میلی که اهالی بنادر استقراض بدوات
 بدهند یک کرور خواهد بود ، مسلم یتصدق فلیجرب
 صورت تلگرافات واصله و جواب **تجار** محترم بوشهر
 را با اسامی و مبلغ استقراض برای تفریح خاطر
 خوانندگان نامه نامی لفاً ایفا داشت که در صفحات
 نامه مقدسه درج شود

اسامی **تجار** و مبلغ استقراض مبینه

- تومان
- حاجی سید محمد رضا تاجر کازرونی ۱۰۰۰۰
 - حاجی عبدالرسول رئیس **التجار** ۱۰۰۰۰
 - حاجی محمد باقر تاجر بهبهانی ۱۰۰۰۰
 - حاجی میرزا علاءالمحسن تاجر کازرونی ۵۰۰۰
 - آقا میرزا علاءالمحسن ورنه مرحوم حاجی محمد شایع ۲۵۰۰
 - آقا سید حسین تاجر بهبهانی ۱۰۰۰
 - حاجی محمد حسن بوشهری ۱۰۰۰
 - حاجی محمد حسن حاجی باقر ۵۰۰

(حاجی محمد علی تاجر دهمشقی هم تعیین مبلغ
 را بهینه آینده تعلیق نموده اند)

سواد تلگراف از تبریز

توسط حضرات اعضای منجم انجمن ایالتی و
 ولایتی دامت بقاتم توسط جناب صدقیان بدواً الشورای
 کبری شیدالله ارکانه القویه ، روزنامه ایران نو ، روزنامه
 شرق ، خدمت حضرات علماء عظام و آقایان محترم
تجار و اعیان و اشراف و اهالی ذوی العز و الاحترام
 دامت تائیدانهم ، البته مسئله استقراض بسع شریف
 عموم هموطنان عزیز مان رسیده و محسوس است که

دولت محبوب ما امروز برای اصلاحات امور لشکری و کشوری محتاج یک استقراض فوری است که آنهم بسته بیک همت فاخره ملیه و امداد عمومی است تا خود را از زیر بار قرض خزینه منحوسه و شرایط شدید خارجی رهانیده و بنوعی که خارج از قوه مالیه هیچیک از هموطنان غیور نباشد وجه استقراض داخلی را فراهم آورده و کابینه وزراء خود مان را از این احتیاج جزئی مستخلص داریم چنانکه اهالی آذربایجان صغیراً و کبیراً بی بوخاست استقراض خانمان سوز خارجی برده و میدانند که بعلاوه نقرین وطن حد سبب ملل و دول عالم را با یکدیگر حقارت درباره ما ثابت خواهد نمود که اولاد ایران نتوانستند برفع احتیاج دولت و حفظ شرف ملیت خود موفق باشند، لذا حاضر و مهیا هستند با این همه خرابیها تا یک کرور تومان سرریماً و علاوه نیز مروراً با آهینات لازمه و وثیقه مطمئنه مساوت با استقراض داخلی بنمایند و نگذارند زحمات و صعوبات فوق الطاقه این چند ساله و خونهای گرانبهای اسبابی وطن بی نتیجه بماند، نتیجتاً عرق حمت هموطنان سایر نقاط هم در این مورد بجوش آمده و اعانت دولت خود را فرض ذمه اسلامیت خوانند شمرده، در این صورت محض اطلاع از افکار عموم لازم است که این خادمان بیقدار وطن را مسبوق فرمائید، تا چه اندازه استقراض داخلی را مساعدت خواهند نمود اعلام دارند، این خادمان وطن نمیخواستیم بدون اطلاع و کسب توضیحات آن برادران داخل در مذاکرات با طهران شریک، لازم است در این اقدام مهم که اسباب سرفرازی ملت خواهد شد همه برادران ایرانی با مساوات کسب افتخار تاریخی در مشارکت کرده باشیم، لهذا محض اطلاع از افکار و میزان مساعدت هموطنان سایر بلاد را لازم می بینیم و منتظر جوابیم کیسیون استقراض ملی آذربایجان رحیم قزوینی، علی کپانی، حسن صراف، علی اکبر خاتمه علی اکبر صدقیانی، مهدی کوزه کنانی

۱۲ برج حمل ۱۳۲۸

از طهران بولایات

تلگراف متحد مال بمردم ایالات و ولایات حسنیات قومیت و مساعدت مالی و جانی که در این مدت از انبای عزیز وطن مقدس بظهور رسیده و اخیراً هم در بعضی

نقاط بطیب خاطر حاضر بجمع آوری و تقدیم وجه اعانه شده اند دولت جدید را بمساعدت آتیه ایران و ایرانیان امیدواری و قوت قلب کامل داده رفع احتیاجات مادی و معنوی مملکتی انتظار موثقت نامه حاصل نموده است، محض اظهار امتنان و خوشوقتی این تلگراف را بخابره و در ذیل آن اظهار میدارم که چون دولت جدید بهیچوجه راضی بضرر آحاد و افراد اهالی مملکت خود نیست و نباید دیناری بسر مایه و تمکن آنها ضرر و نقصانی متوجه باشد کابینه قبول اعانه را منافی مقصود مقدس خود دانسته اظهار میدارد که عنوان اعانه را متروک داشته هر کس بطیب خاطر میخواهد مساعدتی در این موقع ببالیه دولت خود نماید بطریق استقراض داخلی باشد و چنانچه نظر باصرار و استدعای اهالی وطن عزیز کیبونی مخصوص در مجلس مقدس برای ترتیبات فرض داخلی منعقد است البته دستور العدل لازم را از مجلس مقدس منتظر خواهند بود - نمبر ۳۴۵۳ وزیر داخله

۱۲ برج حمل ۱۳۲۸

حاج سواد تلگراف نجار محترم بوشهر

(نمره ۵ از بوشهر به تبریز)

خدمت آقایان حاجی مهدی آقا کوزه کنانی و سایر تجار محترم ایدم الله تعالی تلگراف شریف حاوی مساعدت عموم ملت بدولت محبوب خود در باب قرض داخلی رسید، در صورتیکه شرایط آن بطوری که موجب اطمینان آن ذوات مکرمه ماها باشد از ناحیه مقدمه دوا بر مرکزی برسد دعاگویان و سایر ملت بنسادر بندر قوه در خدمات دولت حاضرند، در صورت مقروضه مبلغ چهار هزار تومان از اعضای مجلس تجارت بوشهر تهیه شد، ممکن است پس از وصول قانون نامه استقراض معادل شصت هزار تومان دیگر هم از سایرین شاید تهیه بشود (الحاج عبدالرسول - الحاج سید محمدرضای کازرونی - الحاج غلامحسین - الحاج محمد باقر بهانی - اقل الحاج محمد حسن حاجی باقر - صحیح است میرزا غلامحسین کازرونی - صحیح اقل السادات حسین بهانی - حاجی محمد حسن بوشهری - الحاج محمد علی دهدشتی)

دفع فاسد بافد

نور محمد بیگ دالکی باسنظهار و حمایت ترکها

بر محمد اسماعیل بزاز جانی سکه کلانتر کنار تخته بود و منذ کاروان، از چندین سال رو باین طرف پسته و مال التجاره بسیار غارت کرده بود چه در شد بعد از محاصره وجدال و کشش از طرفین محمد اسماعیل با چند نفر برادرانش مقتول و یک حاری از سر راه نوع برداشته خار دیگر قوی و تیزتر گردیده مضمون است خورشید نایب حیدر بیگ که در کارج است اورا هم دستگیر و به محمد اسماعیل ملحق سازند. اگر این احتمال بوقوع برسد احتمال دارد راه قوافل بطرف کازرون بینند

استباه کاری

(بوکلای مجلس مقدس شورای ملی)

در روزنامه شریفة مجلس شماره ۶۳ تحت عنوان اخبار مراسله مفتاح السلطنه که گویا به مجلس مقدس می نوشته اند ملاحظه شد، زاید اوصاف بر حیرتم انزود که هنوز برخی از کارکنان دوات ملتفت نشده اند که دوره استبداد که سرکارشان با یک نفر بود، و همه قسم میتوانند اشتباه کاری باو نمایند سپری شده و حال آنکه صدها ملیون خساره مالی و صد هزار تلفات جان را این ملت فلک زده، این ملت بخت واژگون، این ملت مظلوم منحل شد که این خیال را از سر اعضای جزء وکل ادارات بدرنمایند ولی افسوس که هنوز امثال جناب مفتاح السلطنه نگرای فرد فرد ملت را بر جزئیات افعال خود بلکه اگرانی بر کلیات را هم که مجلس مقدس دارد بازبچه میهارند. و اگر چنین نبود جناب مفتاح السلطنه باین جرئت و جلالت عرضداشت دروغین که سر تا یایش اشتباه کاری است به مجلس مقدس پیش نمی نمود، و طرف خود که تمام ایرانیان هندوستان هستند بی فروغ نمیخواست و این دوره را هم مانند ادوار سابقه که جمیع کارها با اشتباه گذشت، و هیچ اسر و لو هر قدر حقوق شکسته بود تعقیب نمیشد قیاس نمی نمود، خیلی سهو فرموده اند چه امروز فرد فرد ملت دانسته که اگر جلو گیری از جزئیات نشود یقیناً سر به تقلبات کلی میزند نخواهند گذارد امری بر مجلس مقدس اشتباه کاری شود، از همان مکتوب اولیه باید بی به این نکته برده باشند، هرگاه توضیحات غیر صحیح داده نمیشد و بنای اشتباه کاری را به مجلس مقدس نمی گذاردند و چون غرض درین نبود و از سلوک

اخلاق شاهم درین چند ماه توقف در مهانخانه های این شهر شکایتی نداشتیم و فقط غرض ما بیان واقع و تئیه بوظائف مأموریت بود حالا که جبراً اشتباه کاری بناست بشود محض حفظ نرف ملی و حقوق دولت نمیتوانیم این مسئله را بدون گشای حقیقت بگذاریم و بگذاریم این است عین مراسله مفتاح السلطنه

استباه کاری مفتاح السلطنه

(به مجلس مقدس ملی)

استدما از وکلای عظام مجلس مقدس شورای ملی و وزارت امور خارجه، در نمره ۲۰ جبریده مقدسه جبل المتین کلکته مورخه ۸ شهر ذی قعدة الحرام (۱۳۲۷) مکتوبی بی امضا راجع بشکایت از این بنده در مأموریت جنرال قونسول گری هندوستان درج شده، اگرچه در یک چنین مسئله که فقط مقصود خیر خواهی نسبت بملت در دقت و صحت امور و مراقبت از وضع و رفتار مأمورین و مسبوق کردن وکلای مجلس مقدس و رؤسای وزارت امور خارجه از سلوک و افادات آنها است نمی بایست بوسیله مکتوب بی امضا منتشر شود که معمولاً محل اعتنا واقع نیست، بلکه محل بر غرض میشود، خصوصاً با حالت حاله مملکت که مقصود از اینهمه خونریزی و جانبازیها همین بود که مطالب حقه و مسائل منهدمه بحالت دولت و ملت را بتوان با کمال آزادی علناً گشت و نوشت و عمل کرد، ولی یقین دارم سکه وکلای محترم در حفظ حقوق ملت و اصلاح مناسد بطوری دقیق و ساعی و جهد میباشند که بواسطه بی امضا بودن مکتوب این قبیل نکات مهمه را از نظر اعتنا و دقت دور نکرده امهدوارم هر قدر زودتر تحقیقات عمیق در این خصوص نموده اگر حقیقت دارد حکم عادلانه آنرا خواهند فرمود

(مفتاح السلطنه)

جواب

حالا که بمحمدالله از تلگرافات و مراسلات عدیده به دارالشورای ملی شیدالله ارکانه ظاهر شد که طرف جنابعالی و نگارنده آن مکتوب چند هیئت بی غرض است، از شخص خود تان انصاف میخواهیم که بمحل مأموریت خود نرقبند مختار بودید؟ آیا در شهری که رمایای متوسط ایران هم دارای خانه وزندگی

باشرفند چه طور شرف شا که خود را جنرال قونسل ایران در کل هندوستان میدانستید قبول کرد، که هفت ماه زندگانی با شرف خود را در یک اتاق محقره همان پهنه بسر برید جنم از تمام مراتب پوشیده همین یک حرکت ناموس شکنانه شارا که ابداحل ایراد قانونی هم نیست چه شرفی از برای ملت ایران در هندوستان گذارد و چه وقع و وقری برای سلطنت ما در نظر همسایگان نگاه داشت تصدیق مینمایم که عماید هم در مهانخانه می ماند، ولی یکی دو روز نه هفت ماه، اگر فرمائید بول نداشته یانائیکه در نمرات سابقه در این موضوع شده تصدیق شا را نخواهد نمود؟ ما از جناب مفتاح السلطنه پرسش می نمایم که در هفت ماه قیام خودتان در مهان خانه های پونه و بمبئی جز در انجمن وطن خواهان ساعتی زیر بیرق شیر و خورشید آریدید؟ آیا شا که دعوی رسمیت خود را میباید با جنرال قونسل های دیگر و مدیر خارجه هندوستان در کجا ملاقات رسمی یا غیر رسمی نمودید، مدیریه خارجه در کجا از شا بازدید رسمیت یا غیر رسمیت نمود؟ آیا بیرق شیر و خورشید را در سر حجره خود در مهانخانه زده بودید؟ آیا با سایر نمایندگان رسمی دول ملاقات کردید؟ آیا آنها هم رسماً از شا بازدید کردند؟ آیا یک نفر از نمایندگان رسمی دول تا امروز هفت ماه وقت خود را در کنج حجره مسافرخانه یا کاروانسرا یا مهانخانه یا ببارت قلمبه (هوتل) گذرانده اند؟ افسوس که ما این حرکات ناموس شکنانه و شرافت بر باد کن که ابداً موضوع بحث نبود باز میخواهید که سخنان حقه و ایرادات صدقه یک هیئت بزرگ را که در ایفاء وظائف خویش بعمل آورده اند باطل قرار دهید! این ایراد در صورتی بر شا وارد خواهد بود که شا خود را معرفی شده میخواهید جلوه دهید، ورنه بحیثیت غیر رسمی صدها مسافر مانند شا در مهانخانه ها موجوداند، چه بهترین هواخوریها و جای عیش و عشرت و اسباب راحت برای مسافرین هندوستان در همان مهانخانه ها می باشند

از جمله اسرارایی که هنوز کشف در جراند نشده و اگر بقول مفتاح السلطنه نگارنده مکتوب در شماره بیستم جبل التین مفرض بایشان بود بوده

مدراس است، حالا ما از شخص متداح السلطنه توضیح میخواهیم که تصدیم عزم شا برای رفتن در مدراس از بمبئی برای چه بود؟ و چه پیش آمد که بمجرد ورود پسر قونسل مرحوم مدراس رأینان از مسانرت مدراس نسخ شد و یکدنده ستری به ایران شدید؟ پسر قونسل مدراس را که راه نمائی کرد که برای معرفی خود یک جزئی وجه باسم اعانه بطهران فرستد و مواعیدی که باو داده شد قصد قربت محض بود؛ هرگاه تا وقتی قونسل در مدراس معین نشده اختلالی پیش آید جواب ده کیست؟ چه او اعتماد بوعده های شاد دارد، و جارج موقتی هم بدیگری نخواهد داد، بلکه جواب هم نخواهد گفت، از همه این مراتب صرف نظر شود. آیا میان خود و خدا در طریق دولت خواهی بر حسب اقتضای کنونی امروز چنین اشخاص قابلیت قونسلگری دارند؟ آیا هنوز هم مانند دوره استبداد بنید قونسل فروشی در دستگاه دولت رواج باشد. آیا تصور میشود که از این و بعد ایرانیان هندوستان زیر اینگونه بارها و شرافت فروشها بروند (هیئات هیات ما تزعمون) فعلاً در مسئله موضوعه راجع بجنرال قونسل گری هندوستان شخص معاون وزارت جلیه خارجه طرف میباشند، لذا سئوالات ذیل را از ایشان نموده مستدینانه بذریعہ جراند ملیه توضیحات میخواهیم

استفسار از معاون وزارت خارجه

(۱) مفتاح السلطنه ابداً علاقی نداشتند و علی الظاهر در کمال صحت مزاج بودند. در این صورت وزارت خارجه بچگونه مستمسک اجازه حرکت بایشان داده علی الخصوص چون با گرفتن دو سال مواجب هفت ماه بیشتر در یکی از نقاط هندوستان که محل مأموریت ایشان هم نبوده بیش توقف نکرده بود، (۲) قبل از حرکت از طهران مواجب یک سال تمام را از محمد علی شاه گرفته بودند و شش ماه از سال گذشته از طهران حرکت کردند و دوسه هفته با آخر سال مانده وارد هندوستان شدند، (۳) از بمبئی و پونه بکلی خارج نشدند و ابداً بمحل مأموریت که کاکته است نرفتند، (۴) از طرف حکومت هند بکلی بسمت جنرال قونسل گری هندوستان شناخته نشدند بواسطه رفتن کاکته،

وان کان مکرم تزول منه الحیال ، اخبارات موخه که از عباسی و داراب و سبجات بشیراز و طهران در مزاحه یهود و جزیه گرفتن از یهود داراب و مالیات گرفتن از سبجات و عباسی و مقبول نمودن جمعی که سبت باخوی شیخ و سید هادی ضال منزل نا اهل عاق شاق صده مرا در شبراز و طهران رسوا و بزحمت و مزاحمت سوال و جواب تلگرافات افکنده اند نمیدام چه کرده و چه میکنند و کجا هستند و کجا رفته و چه کرده اند ، که این همه شکایت و اسباب زحمت و تهمت قتل و غارت بمن بدبخت گرفتار بفریت و ذلت و عهه و دشمنان خو بخوار و کفار نجار و دوستان نادان مثل حاجی فلان و فلان که جراحات لسان ایشان بدتر از جراحات سنان دشمنان است چه عرض بکنم و چه جسارت بکنم جز التماس دعای فرج و تسجیل فرج و انتقام این ضریق رویه (والتقوا من مواضع التهم) از مثل جناب حاجی شیخ که در جبین وقتی و موقعی و گرفتاری خود را ملوث بلوث تهمت فوق تهمت این جهال نادان جماید و بهانه و خطوط خود را بگبر دشمنان اندازد

خبر اخبارات حرجه

§ دیشب در (سنفرانسکو) دعوت از (لار دکچنر) خواسته بودند حکومت وقت نوشیدن جام صحت موسی الیه اظهار داشت که (لار دکچنر) سردار اول عالم است. (لار دکچنر) تشکر نمود.

§ تلگرافی از اسلامبول رسیده که (پتر) پادشاه (سرویه) فردا مرخص میشود. ملاقات با اعلیحضرت سلطان با منتهای مودت شد

§ بموجب تلگراف (چیکاگو) | مستروالسیرشام | اتونی جنرل از انتظام سلطنتی (مسزقت) رئیس جمهوری دولت امریکا مجید زیاد نموده اظهار داشت که هر گاه بر جمیع دستورالعمل رئیس جمهوری مزبور پیروی نشود (کانگریس) مقصر خواهد بود نه رئیس جمهور

§ جہاز جدید زره پوش از قبیل (دریدنات) (کلوسس) امروز عصر در (گریوک) بآب انداخته شد عدد تماشاگران دوست هزار نفر بودند

§ در (دمبارتن) جہاز دوم موشک شبکن (آسترلیا) نیز بآب انداخته شد

همیشه در هتل منزل داشتند با وجودیکه بولی که از دولت میگیرند مصارف منزل هم شامل آن است (۶) قبل از حرکت از بیٹی شانزده هزار و سیصد روپیه مواجب سال دوم را حسب الحواله سردار ارفع از جناب حاجی سلطان علی شوشتری گرفتند و قبضه رسول بایشان دادند ، (۷) در این مدت ماه توقف در بیٹی در وظائف مختلفه بموریت هیچ اقدامی از ایشان مشاهده نشد ، (۸) مواجبی که از دولت گرفته اند مواجب جنرال قونداگری کلکته و بیٹی هر دو با هم است و ایشان هر دو مواجب را خود متصرف شدند .

ما از وزارت خارجه خواهش می کنیم که هر یک از این مطالب را جزء بجزء تصدیق یا تکذیب میکنند صداقتاً بدون توریه و تمهیه و مخاطبه در مجلس شورای ملی اظهار داشته و بچراغی می برای مزید بصیرت و اطلاع ملت اخبار کنند. و در هر یک از این فقرات فوق اقداماتی که تا بحال بعمل آورده اند یبنا دارند بعمل بیاورند ملت را کما هو حق و واقف سازد .

مکتوب از بیٹی

قابل توجه وزارت داخله

لار و اطراف لارالی لشکه بکلی مضموش. پست بکلی نمیرسد. ایاب و ذهاب قوافل بکلی مسدود و عمده استنشاش باشاره بنی القوم است. از قرار اخبار موثقی که رسیده چهار صد بار قاش و قند و شکر و غیره که از بندر لشکه حل لار شده بوده و از آن طرف هم ۲۵۰ بار غالی ، ایدام و تریاک که حل لشکه شده بوده در یک روز از طرفین این قوافل وارد بستک میشود. محمد تقی خان بستکی که از اتباع بنی القوام است تمام مال التجاره را گرفته و مکاربان را پس از صدمه زیاد مرخص کرده و ابن محمد تقی خان از نوکرهای مخصوص بنی القوام است و بروز این حرکات هم از اشاره بنی القوام بوده اگر این قسم باشد خیلی کار سخت است. مکرر عرض شده که تا بنی القوام در فارس باشند اعتنشاش طرق رفع نخواهد گردید

سواد دستخط مبارک حضرت

(حجة الاسلام آقای حاجی سید عبدالحسن مدظله) (که باهالی لار مرقوم فرموده اند)

(بسم الله الرحمن الرحيم)

من جمله اسباب دلخوری و پریشانی حال واحوال

۱) اعلیحضرت امپراطور روس نشان (سنت اندرو) را پشامزاده افوشیزا ژاونی که اینوقت در ازار کوفی سیلو [متوقف است اعطای نمود

۲) (مستر روزیولت) به موزه انگلیس بسیاری از کتب نوارینج نادره را هدیه نموده است
۳) وقایع نگار جریده (طمس) از (سدنی) خبر میدهد که عده اعضای مزدوران در مجلس ملی هجده بشمار است

۴) ملکه انگلستان (الگزندره) برکروز بردسته جہازات جنگی دریای (روم) بسمت (جنیوا) رهسپار شدند
۵) (مستر اسکویت) رئیس اوزراء انگلستان اعلان نمود که تعطیل موسم خزان از ۲۸ اپریل آغاز خواهد شد ممکن است که ۲۹ اپریل مجلسی برای امضای اعلیحضرت پادشاه انگلستان بر بودجه انقاد یابد
۶) تلگرافی از (تریستی) رسیده که (دیوتی) جہاز جنگی (آستریا) که دارای (۱۴۵۰۰) طن و حامل ۱۳ اتواب ۱۳ انجی است بآب انداخته شد

➤ مشهد

انجمن ایالتی با هیئتی از اعضاء عالم و کاردان تشکیل گردید . روز تشکیل تمام رؤسای ادارات و پلیس با یک شکوهی تام برای تبریک حاضر شده بودند . بلوچستانی‌ها شورش کرده و استقلال میخواهند ولی خود میدانند که این گره را که میرقصاند ، يك تلگرافی از تجار و اعیان طهران تقریباً بامضای صد نفر از محترمین به مشهد مخبره شد ، مبنی بر اینکه مادامیکه قشون روس در ایران است ما نباید راحت و آسوده باشیم ، فلذا مراسم عید را ترک کرده و مبادله بيك حزن صمدی و غصه قلبی مینماییم و حسبیت خودمانرا در این اقدام به تمام دول اعلان میدهم ، ایضاً اهالی و محترمین شهر مشهد سوگند یاد نموده‌اند که در این عید ابداً حرکاتی که داعی شرف است بجای آورند حتی وجوه شیرینی‌هاییکه می‌بایست در ایام عید صرف بشود بعنوان اطانہ ملی بدولت بپردازند ، کاسه صبر ملت ایران از نخالی کارهای روس و توقف قشون باندازه بر شده است که ابداً جای قطره باقی نماند ، و بعقیده بنده اگر قطره در آب بریزند نگویند ساز خواهد شد ، مداخلات غیر مشروعانه روس اهل ارض را در ملت باقی

نگذارده که حرکات وی تماماً مبنی باغراض شخصیه است ، میگویند بعضی اشرا را در مشهد قونسل روس بحرك به شرارت می‌شود بد نصحن در قونسلخانه می‌دهد ، چنان که تا حال این مسئله (۵) مرتبه اتفاق افتاده ، نصحن اسکر بلند دست راست شیخ فضل الله دلیل این قول است ، مہوتم و نیدانم که کشتی پلتیک ایران به کجا میرود و چه مسلکی دارد ، ولی می‌دانم که همسایه مہربان ما چون دایگان بدار آبی در تربیت ما کوتاهی نکرده و برای امنیت ایران مساعی خود را بکار می‌برد

روس باید بداند که این رقمه بیش از حوصله او است و ایران مال ایرانی است ، ایران را به هیچ لطایف الحیل نتوان تصرف نمود (یا جان رسد بجانان یا جان زن در آید)

البته شنیده‌اید که قونسل روس در طهران اهالی زرکنده را بخود جلب نموده و به اسم اینکه ایشان در تحت حمایت من هستم برای آنان خود را ساخته چند روز قبل یکمتر از اهالی زرکنده که بمشهد آمده بود گویا قرضدار میشود صاحب طالب مطالبه بول خود را مینماید راجع بدایه می‌شود از طرف قونسل روس اعلان می‌شود که این شخص زرکنده است و باید این مطالبه به کار گذاری خاتمه بپذیرد خلاصه آنکه برای مداخلات غیرحقه روس حد و اندازه نیست هر قدر که می‌تواند از اجحافات فروگذاری نمی‌نماید

➤ اطاعت بحکومت

نفوذ حکومت در هر ولایتی که سست و بی‌اثر باشد اهل آن ولایت بعباد و زحمت می‌افتند و کارهای نوحی از رشته نظام و ترتیب خارج میشود ، این یک حقیقتی است که همه عکس تسلیم دارد و انکار نمی‌تواند ، اهل مملکت را مانند یک خانواده فرض کنید ، افراد این خانواده از زن و مرد در فراهم آوردن اسباب سعادت و زندگی مشترکه خود هر یک بقدر استعداد و فراخور خویش شغلی را بپذیرد ، میگیرند یکی دنبال کسب میرود دیگری خانه داری و بخت و بزم مینماید ، یکی پاسبانی و دیگری بمرمت یخ‌رگه میپردازد حکم این ترتیب طبیعی همیشه مجرا و خلی سکنه و قدیم است ، هنگام رجوع

همیشه در هتل منزل داشتند با وجودیکه بولی که از دولت میگیرند مصارف منزل هم شامل آن است (۶) قبل از حرکت از بمبئی شانزده هزار و سیصد روپیه مواجب سال دوم را حسب الحواله سردار ارفع از جناب حاجی سلطان علی شوشتری گرفتند و قبضه اصول بایشان دادند. (۷) در این مدت ماه توقف در بمبئی در وظائف مختلفه بموریت هیچ اقدامی از ایشان مشاهده نشد. (۸) مواجب که از دولت گرفته اند مواجب جنرال فونسلگری کلکته و بمبئی هر دو با هم است و ایشان هر دو مواجب را خود متصرف شدند.

ما از وزارت خارجه خواهش می کنیم که هر يك از اغصاب را جزء بجزء تصدیق یا تکذیب میکنند صدقاتاً بدون توریه و تعصیه و تامله در مجلس شورای ملی اظهار داشته و بجهاند می برای مزید بصیرت و اطلاع ملت اخبار کنند، و در هر يك از این فقرات فوق اقداماتی که تا بحال بعمل آورده اند بیابادارند بعد بیاورند ملت را که هو حق و اوق سزید.

مکتوب از بمبئی

قال توجه وزارت داخله

لار و اطراف لارالی لشکه بکلی مغشوش است بکلی نمیرسد. ایاب و ذهاب قوافل بکلی مسدود و عمده آتشش باشاره بنی القوم است. از قرار اخبار موثقی که رسیده چهار صد بار قاش و قند و شکر وغیره که از بندر لشکه حل لار شده بوده و از آن طرف هم ۲۵۰ مار غالی، ایدام و تریاک که حل لشکه شده بوده در يك روز از طرفین این قوافل وارد بستک میشود. محمد تقی خان بستکی که از اتباع بنی القوم است تمام مال التجاره را گرفته و مکراین را پس از صدمه زیاد مرخص کرده و این محمد تقی خان از نوکرهای مخصوص بنی القوم است و بروز این حرکات هم از اشاره بنی القوم بوده اگر این قسم باشد خیلی کار سخت است. مکرر عرض شده که تا بنی القوم در فارس باشند آتشش طرق رفع نخواهد گردید

سواد دستخط مبارك حضرت

(حجة الاسلام آقای حاجی سید عبدالحمین مدظله)

(که باعالی لار مرقوم فرموده اند)

(بسم الله الرحمن الرحيم)

من جمله اسباب دلخوری و پریشانی حال واحوال

وان کان مکرم نزول منه الحیال، اخبارات موحت که از عباسی و داراب و سبجات بشیراز و طهران در مزاحمه یهود و جزیه گرفتن از یهود داراب و مالیات گرفتن از سبجات و عباسی و مقبول نمودن جمعی که سبت باخوی شیخ و سبت هادی ضال مثل نا اهل عاق شاق صحنه مرا در شیراز و طهران رسوا و بزحمت و مزاحمت سوال و جواب تلگرافات افکننده اند نمیدام چه کرده و چه میکنند و کجا هستند و کجا رفته و چه کرده اند. که این همه شکایت و اسباب زحمت و نهرت قتل و غارت بمن بدبخت گرفتار بفرمت و ذلت و عله و دشمنان خویشوار و کفار عجار و دوستان نادان مثل حاجی فلان و فلان که جراحات لسان ایشان بدتر از جراحات سنان دشمنان است چه عرض بکنم و چه بسارت بکنم جز التماس دعای فرج و تسجیل فرج و انتقام این خریق رویه (والتقوا من مواضع الهم) از مثل جناب حاجی شیخ که در چین وقتی و موقی و گرفتاری خود را ملون بلون تهمت فوق تهمت این جهان نادان بمساید و راه و خطوط خود را بگر دشمنان اندازد

حفظ اخبارات حرجه

§ دیشب در (سنفرانسکو) دعوت از (لاردکچنز) خواسته بودند حکومت وقت نوشیدن جام صحت موسی ایبه اظهار داشت که (لاردکچنز) سردار اول عام است. (لاردکچنز) تشکر نمود.

§ تلگرافی از اسلامبول رسیده که (پتر) پادشاه (سرویه) فردا مرخص میشود. ملاقات با اعلیحضرت سلطان با منتهای مودت شد

§ بموجب تلگراف (چیکاگو) | مستر والسیرشام | اتونی جنرل از انتظام سلطنتی (سنترقت) رئیس جمهوری دولت امریکا تجید زیاد نموده اظهار داشت که هر گاه بر جمیع دستورالعمل رئیس جمهوری مزبور پیروی نشود (کانگریس) مقصر خواهد بود رئیس جمهور

§ جهاز جدید زره پوش از قبیل (دریدنات) (کلوسس) امروز عصر در (گرینیوک) بآب انداخته شد عده تماشاگران دوپست هزار نفر بودند § در (دببارتن) جهاز دوم موشک شکن (آستریلیا) نیز بآب انداخته شد

اعلیحضرت امپراطور روس نشان (سنت اندرو) را پشامزاده افوشیزا ژاوی که اینوقت در ازار کوش سیلو [متوقف است اعطای نمود

مستر روزبولت (به موزه انگلیس بسیاری از کتب تواریخ نادره را هدیه نموده است

وقایع نگار جریده (طمس) از (سدنی) خبر میدهد که عده اعضای مزدوران در مجلس ملی هجده بشمار است

ملکه انگلستان (الگزندره) در روز پرده حجازات جنکی دویای (روم) بسمت (جنیوا) رهسپار شدند

مستر اسکویت (رئیس اوزراء انگلستان) اعلان نمود که تعطیل موسم خزان از ۲۸ اپریل آغاز خواهد شد ممکن است که ۲۹ اپریل مجلسی برای امضای اعلیحضرت پادشاه انگلستان بر بودجه انعقاد یابد

تلگرافی از (ترستی) رسیده که (دیوتی) جهاز جنکی (آستریا) که دارای (۱۴۰۰۰) طن و حامل اتواب ۱۳ انجی است بآب انداخته شد

منشأ

انجمن ایالتی با هیتی از اعضاء عام و کاردان تشکیل گردید . روز تشکیل تمام رؤسای ادارات و پلیس با یک شکوهی تام برای تبریک حاضر شده بودند . بلوچستانیها شورش کرده و استقلال میخواهند ولی خود میدانید که این گره را که میرقصاند ، یک تلگرافی از تجار و اعیان طهران تقریباً بامضای حد نفر از محترمین به مشهد مخبره شد ، مبنی بر اینکه مادامیکه قشون روس در ایران است ما نباید راحت و آسوده باشیم ، فلذا مراسم عید را ترک کرده و مبادله یک حزن سمی و غصه قلبی مینماییم و حیثیات خودمانرا در این اقدام به تمام دول اعلان میدهیم ، ایضاً اهالی و محترمین شهر مشهد سوگند یاد نموده اند که در این عید ابداً حرکتیکه داعی شرف است بجای آورند حتی وجوه شیرینی هائیکه میبایست در ایام عید صرف بشود بعنوان اطانۀ ملی بدولت بپردازند ، کاسه صبر ملت ایران از تخیلی کاریهای روس و توقف قشون باندازه بر شده است که ابداً جای قطره باقی نمانده ، و بقئیده بنده اگر قطره در آب بریزند نگویند ساز خواهد شد ، مداخلات غیر مشروعانه روس اهل محل توهین بجای ملت باقی

نگذارده که حرکات وی تماماً مبنی باغراض شخصیه است میگویند بعضی اشرا را در مشهد قونسل روس بحرك به شرارت می شود بد شخص در قونسلخانه می دهد ، چنان که تا حال این مسئله (۵) مرتبه اتفاق افتاده ، شخص اسکر بلند دست راست شیخ فضل الله دلیل این قول است ، مپونم و نمیدانم که کشتی پلنیک ایران به کجا میرود و چه مسلکی دارد ، ولی می دانم که همسایه مهربان ما چون دایگان بیدار آبی در تربیت ما کوتاهی نکرده و برای امنیت ایران مساعی خودرا بکار می برد

روس باید بداند که این لقمه بیش از حوصله او است و ایران مال ایرانی است ، ابراش را به هیچ لطایف الحیل نتوان تصرف نمود

(یا جان رسد بجانان یا جان زن در آید)

البته شنیده اید که قونسل روس در طهران اهالی زرکنده را بخود جلب نموده و به اسم اینکه ایشان در تحت حمایت من هستید برای آنان خودرا ساخته چند روز قبل بکنز از اهالی زرکنده که بشهد آمده بود گویا قرضدار میشود صاحب طاب مطالبه بول خود را مینماید راجع بدایه می شود از طرف قونسل روس اعلان می شود که این شخص زرکنده است و باید این مطالبه به کار گذاری خاتمه بپذیرد خلاصه آنکه برای مداخلات غیرحقه روس حد و اندازه نیست هر قدر که می تواند از اجحاذات فروگذاری نمی نماید

اطاعت بحکومت

نفوذ حکومت در هر ولایتی که سست و بی اثر باشد اهل آن ولایت بعباد و زحمت می افتند و کارهای نوحی از رشته نظم و ترتیب خارج میشود ، این یک حقیقتی است که همه کس تسلیم دارد و انکار نمیاید ، اهل مملکت را مانند یک خانواده فرض کنید ، اراد این خانواده از زن و مرد در فراهم آوردن اسباب سعادت و زندگی مشترکه خود هر یک بقدر استعداد و فراخور خویش شغلی را برده میگیرند یکی دنبال کسب میرود دیگری خانه داری و بخت و بزم مینماید ، یکی باسبانی و دیگری بمرمت یخراکه میپردازد حکم این ترتیب طبیعی همیشه مجرا و نخیل صحنه و بقیه است ، هنگام رجوع

اربخ هم می بینیم کثرت فوق از عصر طفولیت بشر کم و زیاد جزئی و تعدیل خفیف شروع شده و روزگار ما رسیده و تا اقراض نسل بنی آدم نیز دوام خواهد یافت، با ما بدین آمده با ما هم خواهد رفت، هرگاه کسی بدین قاعده فطری و قدیم عصیان کند در وظیفه خود مداخله و بمشغله وقت است اندازی و مداخله نماید کار و بار اهل خانه مختل و بریشان میشود، مداخله ما مقول یک فرد در کارهای یک خانه با مداخله یک جمعیت فضول در امور مملکت مبسوطاً متناسب است، کار بیجا و تجاوز از حدود بهر مقداری که باشد مضرت خود را می بخشد، امروز کارهای خانواده ایران در هم و بیامان است، چرا؟ بواسطه اینکه طبقات خلق بر ظایف یکدیگر مداخله میکنند، افراد اهالی از حدود یک عقل و شرع برای آنها تعیین نموده تخلی می نمایند، به تقلید ملل متمدنه و پیروی سربست مطهره درین خانواده جسیم قانون اساسی اعلان و عمل ما تقسیم شد، سیاست ملکی تفویض حکومت گشت، جعل قوانین و نظارت و حسن جریان آنها بوکلائی ملت سپرده آمد، همه این کارها را ملت کرد و چیزی که برای خود باقی گذاشته و بیوسته هم باقی خواهد ماند حق مراقبه است، یعنی هر وقت ملاحظه از منتخبین و اججائی از مامورین احساس نمود بتوسط انجمنهای ایالتی و زبان روزنامه ها یادآوری میکنند، و الحق مراقبه را با کمال معقولیت استعمال مینماید بقیه اوقات ملت بحسب همان تقسیم عمومی باید صرف کسب و تجارت باشد و حصه خود را موافق سهمی که در امور اجتماعی مقرر شده است بجا بیاورد، دیگر دسته دسته شدن و هر دسته بقسمی مداخله بامور سیاسی و اجتماعی مملکت کردن موجب آن پسر و سامانی میشود که امروز گوش تا گوش این وطن ویران را فرا گرفته

دسته مجاهدین بیسلاحند، میگویند مشروطه بجا و قدم ما تحصیل شده باید هیچکس از وزیر گرفته تا کتخدا بی اذن ما آب نخورد، باجازه ما دنبال کار و ماموریت نرود، تمامت خلق ایران باید ما را ولی امر دانند، و از او امر ما روی نگردانند، دسته دیگر مجاهدین مسلح و خداوندان شمشیر و

و بزرگ اسیر ما هستند، برض و ناموس آنها اولی بتصرف مال و خواسته که دارند بهره خواهیم میبخشیم، جمعی دور دسته نخستین سینه میزنند و گروهی اطراف دسته دوم بسر میگویند، بیچاره ضعیف و مردم بیطرف، مظلوم، زارع و بیله‌ور ساکنان دراز اسیر مشق دیوسیرتان مستبد بودند حالا هم ذلیل جمعی مشروطه خواهان جاهل شده اند و اینمندان و آقاخان تزه ما خوبست دو مسئله بسیار مهم را از در لطف و عنایت متذکر شونده اول آنکه بدانند هیچ کار و کردار بزرگی در دنیا یکی دو سبب کوچک فراهم نیامده، آن صندلی و مسندیکه شمیمنگاه مبارک شده و حسن تعاضد طلاله را در وجود مسعود توایند نموده از دست هزاران عوامل طبیعت در آمده در یک امر مختصر و آلت خصوصی که هزار سبب خارجی علت وجود میگردد در تاسیس مشروطه که فیض و برکاتش عظیم و عمومی است چگونه میشود که قائل بانحصار شد و یک فرد بی فضایل را عامل اصل دانست بحد نفوس ایران و بشمار منافع مشروطه اسباب و علل جمع شده تا مقصود حاصل گشته ظلم و ستم همیشه آستان بدل و داد است، از آن ساعتی که بی ظلم و ستم در دنیا بپایان آمد تخم مشروطه هم در مزارع قلوب بنی آدم جای گرفت و ریشه دوانید تا بمقام و معرض شهود رسید، پس بمقتضای این حکمت روش هر کس ادعای حق داده فتانی و تخم کاری کند و یا نسبت آن را در یکی دو نفر منحصر داند بکمال جهل و غفلت خود اعتراف کرده هیچکس حق ندارد رفیق خود را ابوالله بخواند و اطاعت آن را بگردش یاران واجب شمارد پدر و مهربی ملت قانون و حکومت است و پس نه جمعی لوس و نرهای بوالموس اما مسئله دوم تا بر همراهی خلق میباشد چنانچه عرض شد همه مردم که شا هم آن وقت جزء آنها بودید جمع شدند و هر کس بقدر قوه و معیار فهم و مدرک خود موافقت کرد تا کار بایجا رسید اگر انبوه اهالی و فکر عمومی مملکتان نمی شد از دست مشتی بینوا و بریشان چه برمی آمد هر چه کرد ملت کرد اجتماع و اتفاق اهالی کرد

پس جنابانعالی خود را مبارزید از توجهات سابقه

ساده نوع و بختند و با ختمد منسازید و بدانید همان انبیا بیکه میراث صد و پنجاه ساله را از وارث آن منتزع میکنند شارا هم ازین تسلط غلط و تصرذات خاصانه محروم تواند نمود، تمام این خوزیریا وکل این ضرر و زیانهای وارده برای تجلی و ظهور یک حقیقت بود، آنحقیقت فرخنده و بیمنون کدامست؛ اجرای عدل و تفوق قانون بر تمام طبقات خلق است، دادگری و اجرای قانون دست حکومت میباشد همه باید مطلع او باشیم حکومت را دوست بداریم حاکم را بشخص نباید ترجمه و تفسیر کرد، اشخاص همیشه عوض و تبدیل میشوند ولی قانون و مقام اجرای آن پیوسته باقی و لا یتغیر است، ما میگوئیم مرگ حق است اما برای همسایه قانون و تعظیبات مطاع و متبع است، ولی برای دیگران ما مجامدیم باید بحکومت اعتنا نکنیم بنانون و نظام رعایت ننمائیم، اموال برادران دینی ما را حکومت میطلبند نمیدهم و مانند غنیمت از کنار حربی میشاریم، روزگاری خانه ملاها ما مسکن و ملجای دزد ها و برشکسته بود حالا هم باید خرگاه ما مجامدین ماوی و معآب راه زمان و محاربن با ملت باشد

بسیار خوب، فرض میکنیم تاسیس مشروطه و تبدیل سلطنت بطور اطلاق و طریق انحصار نتیجه حسای شها بود، آیا شایسته است کسی که خدمت بوطن کرد خودش بفاصله یکی دو روز بلای وطن باشد؟ آیا رواست آنچه خوبی و خدمت را خون کرده از دیده انبای وطن بفرستید

افسوس بدان اسم و اشتهار، دریغ بدان شهرت و اعتبار، پارسال از دیدن شها مردم خوشوقت میشدند، همشهریان مقیمین خارج، با تذکار اسم شها نزد سایر ملل افتخار میکردند امسال مسئله بکلی وارونه و معکوس است از دیدن و شنیدن نام مجاهد همه اظهار نفرت و انزجار مینمایند روزنامه های اجاب هم یعنی آنها که تا چندی قبل مداح باجر و مزد شها بودند و صنحعات جراید را با فضایل مجامدین ایران بر میکردند حالا بدگون میگویند میگویند بملت اقامت سرباز روس برای دفع خطر و ضرر مجامدین است که بحکومت تمکین ندارند و بیسج سوجه زیور بار نمیروند بوزارت جنگ محل نمیگذارند و خویشان را در تمام معاملات مقدم و

مستقل میشارند، مقام اشخاص تضییعند که همیشه از در اخلاص و اوادت کار کرده و از هر گونه غرض خسیس دور بوده اند مسلماً ازین اعتراضات مصون است، و سمیشان در حضور صاحبان پسنیدیده و مشکور، اما باقی دیگر و مخصوصاً قسمت بزرگی از مجامدین تبریز هدف جمیع ملامت ها و تویحات میباشد، زبان خودی و بیگانه را بروی خود دراز میکنند بیگانه و خودی دیده و میدانند که شها هموطنان محترم پیش از آنکه قبضه تفنگ را بدست مبارک بگیرند از مال دنیا چه داشتید و چگونه میگذرانید، حالا که بحمد الله از هر پاك و حلال کسبه و انبان را انباشته لا اقل دست از سر خلق بدارید باعث محو واضمحلال دولت مشوید واستقلال ایران را بمخاطره میندازید، اگر مجامدین اوامر وزارت جنگ را اطاعت کنید، اگر تبهه ایرانید احکام جناب مخبرالسلطنه را درعهده شناسید، اگر ایرانی هستید ایران را دوست بدارید سوگند با خدای این حرکات و نافرمانی شها دشمن بوطن و ملت است

بانه های همسایه بدانندیش را زیاد میکند اقامت سرباز او را دوام میدهد ترفیبات ملی را محتل و مصطل مینماید هرچه بردید و خوردید مثل شیرمادر حلال باد ملت همه را با استغنائی طبع عنو و اغماض کرد بشرطیکه اظهار صداقت کنید و ازین پس فرمان برداری و اقیاد بحکومت را فعلاً انبات نمائید

آیا کسی پیدا خواهد شد که گستاخی کند و اجار این بیانات خیر خواهانه را در محضر یاران بخواند یا نه؟ (علی اصفهانی)

تلفگرافات

(۵ ربیع الثانی - ۱۶ اپریل)

۱) مستر روزبولت (وارد) وبانه (انصراف) اداره خارجه استقبال شایانی نموده برکالسکه پادشاهی سوار و در منزل معینه شات فرود آمده با (بیرون دون) وزیر نهال ملاقات نمود
۲) ظامرا جهاز جنگی تازه (آستریا) تعمیر می شود با اینکه مجلس ملی تعمیر جهاز مذکور را منظور نموده

۱) اعلیحضرت امپراطور (آستریا) امروز با (مستر روزیولت ملاقات خواهند نمود

۲) از (توکیو) تلگرافی رسیده که یک از جہازات جنگی در خلیج (هیروشیمه) در جن مشق غرق شد

۳) اعلیحضرت (ادورد هتم) پادشاه انگلستان امروز بر اوتوموبیل سوار در شهر (ویره) رفته که بنای مناری به یادگار یکی از افسران که در جنگ (بین سولر) مقتول شده بود بگذارد

(۶ ربیع الثانی - ۱۷ اپریل)

۱) اعلیحضرت پادشاه انگلستان از (بیارتز) بکسره به لندن خواهند رفت و انواهی که بسیاحت بحر روم خواهند رفت تحت نداشتند

۲) دیروز در (پیتزید) بر بلوی در روی هوا برق زده چهار نفر را هلاک نمود

(۷ ربیع الثانی - ۱۸ اپریل)

۱) (مستر روزیولت) وارد (بودا پست) و استقبال شایان از ایشان شد

۲) مخبر (روتر) از (نکوا) خبر میدهد که سواي قونسل خانه انگلیس تمام عمارت‌های تبعه خارجه را منہوب کرده اند - بموجب خبری دیگر حاکم را هم هلاک نموده ولی حقیقت اینست که مخفی شده - حکم صادر گردیده که جمیع کشیشان فرار کنند - حکام مخوف اند که بلوا عمومیت پیدا کند آنوقت حفظ رعایای خارجی مشکل گردد -

فرمانفرمای (هوی) (۲۰۰۰) قشون فرستاده است ۳) (۲۴۰۰۰) نفر اشرار دارند (چنگکش) را عارت میکنند - (۶۰۰۰) قشون تعلیم یافته

هم با آنها همراهی دارد - شهر را آتش زده و حکومت را کشته اند - اعضای حکومت فراری اند ۴) کشتی حامل توپخانه بسبب قلت آب نتوانسته قرب ساحل آمده بر اشرار شلیک کنند ولی درصدد تدبیری هستند که بتوانند بر آنها حمله نمایند - در (نکوا) هم کم کم بلوا شروع می شود

(۹ ربیع الثانی - ۲۰ اپریل)

۱) شامزاده ولیعهد دولت انگلیس افتتاح نمایشگاه ژاپون و انگلیس را خواهد نمود

۲) ملکه انگلستان اعلیحضرت (الکزنדרه) وارد (کورفو) شدند

۳) در مجلس اعیان انگلستان بعد از انقضای تعطیل بر تحریک (لاردر روزبری) بحث خواهد شد

(۱۰ ربیع الثانی - ۲۱ اپریل)

۱) کومپانی های (بر کش) قیمت اشپای (بربری) را صدی ده افزودند

۲) (دوما) ی روس دومین بار یازده میلیون لیرا که برای تعمیر جہازات زره پوش پیش شده بود رد نمود - این مبلغ را نایاً شورای دولتی در بودجه شامل کرده بودند

۳) (مستر روزیولت) وارد پاریس شد

۴) تلگرافی از (اتاوا) رسیده که در مجلس ملی مسوده قانون بحری بار سوم قرائت شد

۵) (مستر لوتید جارج) مسوده قانون رژی را دیروز در مجلس ملی پیش کرد

۶) در مجلس ملی (مستر اسکویت) اعلان نمود که مجلس از ۲۹ اپریل الی ۲۶ می تعطیل خواهد شد (۱۱ ربیع الثانی - ۲۲ اپریل)

۷) (البانیا) تاکنون امن نیست - شانزده بتالین دیگر قشون امدادی فرستاده می شود

۸) مخبر (روتر) از (مسکو) خبر میدهد که در کیسای (کریپلس) سرقت بزرگی شده زیورات (هنری) قریب یک میلیون روبل مفقود است

۹) از (طرابلس) به اسلامبول خبر رسیده که یک دسته (۱۰۵) سربازان سودانی تحت الحکم دو افسر در حصه داخله بر یک قافله از قبایل شلیک کرده و این امر در عوض آن حمله بود که قبایل مذکور بر فرانسه نموده بودند و یک افسر ۲۰ سرباز فرانسوی مقتول شده بود - دولت عثمانی از وقوع این حمله رنجیده بدولت فرانسه شکایت کرده است

مسافرت

جناب مستطاب حاجی میرزا هاشم آقا تاجر اصفهانی فرزند ارجمند جناب مستطاب حاجی میرزا مهدی آقا تاجر اصفهانی که یکی از شرکای تجارت خانه محترم جناب حاجی میرزا مهدی اصفهانی و اولاده میباشند به عزم عتبات عالیات روانه بمبئی و خلیج فارس گردیدند (هر کجا هست خدایا سلامت دارش)

جناب حاجی میرزا هاشم آقا علاوه بر مقام منبع تجارت یکی از خوب گلمان وطن و مصلحین با اوضاع زمان و هم افکاران نگارنده و مؤیدین این اداره ملی است، هواداران اداره راست در هر ضلع قدم ایشان را گرمی داشته ملاقات شایسته را غنیمت دانند

(خبر الملتان کلکتہ)

و بلا حق اخذ ابروی بدون قبض نفاذین و تاروقی که
(مشترکین را قبض مخصوص سال هفدهم دست نیا شد)

(قیمت اشتراک)
(سالانه بیست و شش ماهه)
(هند و برمه)

(مدیر کل کالج الملتان کلکتہ)

HABLUL MATIN OFFICE
1, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

الملتان

(۱۲ روپہ - - ۷ روپہ)
(ایران و افغانستان)
(۴۰ قران - - ۲۰ قران)
(عربی و مصر)
(۵ بجیدی - - ۳ بجیدی)
(اروپا و چین)
۳۰ فرانک - - ۱۶ فرانک

(کلیه امور اداره با)
(مدیر کل مؤید الاسلام است)
(هر دوشنبه طبع)
(سه شنبه توزیع میشود)
(یوم دوشنبه)
(۲۲ ربیع اثنای ۱۳۲۸ هجری)

سنه ۱۳۱۱

قیمت ریبرالها سلبه حسه همان وضعی که خودشان
خواهان بودند از پیش بردند. و یا بسا می شود
که از مساک حکومت اعم بر ریبرال ناکنسر ویو
خسای سیاسی و اقتصادی سر مزید و مووث
مشکات حکومت و خسارت ملت مگردد. در آن
صورت هم فرقه مخالف کوشیده بلکه رشته حکومت
را سببه خود آرد، مثل ایسکه در معاهده روس و
اسکلیس که حکومت ریبرال نموده بود رجال کنسرویتو
اسکستان خیلی سعی و کوشان شدند که معار این
معاهده را نابت کرده بلکه بر فرقه ریبرال سلبه حسه
رشته حکومت را بکف گیرند پیشرفت به نمود
این نکته هم نا گفته نماند، که هر فیهه و
که یک از این دو حق حکومت بر طبق قواص مقرر
ناید حکومت تازه که بروی کار می آید مجبور به بی
بندی اوست، نهایت سعی میکنند که زیانات و نواقص
آن را بر طرف سازد
این را هم باید دانست که این دو تیره گی فقط
در مسلك است برای مقصد واحد نه تولید دشمنی
بر آنها می نماید و نه در دوستیشان خلل وارد می آورد
چه بسیار می شود که بدر ریبرال است و پسر کنسرویتو
دو برادر یکی ریبرال است یکی کنسرویتو، فقط اختلاف
رای است در دو مسلك برای وصول دو مقصد واحد
و خیلی شده که امروز یکی کنسرویتو است ریبرالها
دوت لطق و ادله براهن رای او را بر گردانده
در ریبرال می شود، یا عکس آن مثل مستر چه برلین
که (امروزه شخص اول انگلستان و اول کسی است
رحال اسکلیس که برخلاف آزادی تجارت رای داد) و چون
علبه آراء بر طرف او نشد از خدمت استفاده و برای
جلب ضرندگان خود چندین سال است کوشان میباشد)
بدوا ریبرال بود و سپس در فرقه کنسرویتو
شامل گردید و هرگاه یک فرقه شکست بخورد فقط
حکومت از او سلب می شود بدون آنکه ذره

تبدیل حکومت در ایران
عوج تلگرافاتی که رسیده بواسطه شکستی که
حکومت حالیه در مجاز از خلاصه فرقه احراریات به سردار
اعظم رئیس اوزرا و وزیر جنگ. و سردار اسعد
وزیر داخله استعفا می خود را محضرت اشرف مایه
السلطنه تنذیر نموده بعید نیست مستوی الممالک که
سابق وزیر مایه بود ریاست خود شان تشکیل
کابینه جدید دهند
تسریخ این نکته برای قارئین محترم که کابلا
مقبوق باصول حکومت مشروطه نمیشاند تا درجه
لازم است چنانچه در کابینه حکومت های مشروطه اصول
دو تیره گی جاری است درین دوره مشروطیت
ایران نیز و کلاهی ملت و وزرای دولت هم دو تیره
شده، یک تیره که عبارت از طرف غالب هیئت
حکومت حالیه باشند موسوم باعتدالیون و
تیره دیگر که در مقابل آنان هستند که ازین
تلگراف معلوم می شود که جناب مستوی الممالک
و هم سلکان ایشان باشند موسوم باحرار گردیده
اند، مانند دو تیره که در انگلستان موسوم (کنسر
ویتو - اعتدالیون) و (ریبرال - احرار) شده
اند، این دو تیره را ولومسلك فرق باشد ولی مقصد
یکی است، یعنی هر دو در استلاء دولت و استقلال
سلطنت ملی خود کوشانند، همینکه در پارلمان هیئت
حکومت که عبارت از وزرا باشند شکست یافت
تیره فاتح هیئت وزرا را از خود تمیز نموده همان
مسلك خویش را تعقیب می نمایند، خوب است
قدری واضح تر نمایم
من باب مسئله بودجه در انگلستان اختلاف
پیش آمد، لیبرالها میخواستند با خالی بودجه
را از طریق خاص حاصل نمایند، کنسرویتوها
مسکه زیاده لارد ها و بزرگانند مخالفت آفزیده
چون اختلاف خیلی بالا گرفت از نو انتخاب شده

از مقام و مرتبه او کاسته شود، لایحه سالیبری و مستر کلادستون که دو رجال معروف و صدراعظم های با کله انگلستان بودند یکی ریرال بود و دیگری کنسرویتو، چندین نوبت روی کار آمده و از کار افتاده اند و آن بان بر عظمت و اقتدار و مقام منیشتان در نزد ملت و دولت افزوده میگردد، و اعم از اینکه بر سر حکومت بودند یا نبودند در مواقع لازمه و مسائل مهمه از اظهار رای خویش بذریعه جرائد و یا در مجالس عمومی و خصوصی پرداختند

در انگلستان تنها وزرا و وکلا دو تیره نیستند بلکه جمیع اعضای ادارات و کلیه جرائد بلکه فرد فرد اهالی خویشتن را بطرفنداری یکی ازین دو مسلک ملزوم میدانند، این است که در تبدیل حکومت جمیع اعضای بزرگ حکومت و وزارت خانه ها و حکومتها نیز تغییر می پذیرد، مگر اینکه حکومت جدید مأموریت بعضی از آنها را منظور دارد ولی مجبور به تعقیب در مسلک حکومت جدید است

این بود شمه از اصول دو تیره کی حکومت های مشروطه و پارلمانی ملل متمدنه

اما ملت ایران ما نمیگوئیم من حیث المجموع قابل دو تیره کی هستند ولی چون مشروطیت نفع نمیگیرد جز به دو تیره کی، و اگر دو مسلک در پیسرفت مقصد خود اختیار به ما ایم عرابه مشروطیت بسنگ خورده و از کار باز خواهد ماند و مسلک مستقیم صحیح که حس عاقبت ما را حاوی باشد بدست نتوان آورد، چه بلبیک به اقتضای وقت تبدیل مسلک لازم دارد چیزی که در مقدمه دو تیره کی لازم میباشد جرائد با مسلک صحیح است در هر یک از آن تیره ها، چه تا جرائد دارای مسلک پیدا نه نمایم ملتی که امروزه صد تیره و دارای هیچ مسلک نمیباشد پیرو دو مسلک صحیح نخواهند شد، و تا وقت که این مشایخ در ایران نفع نگیرد منافعی که باید از ملت در مشروطیت حاصل شود نتوانیم نمود، شک نیست که این دو تیره کی باید اول در وکلا و سپس در وزرا و جرائد و اعضای ادارات و وزارت خانه ها حاصل آید و از آن بد رفته رفته باید در آحاد ملت هم سرایت داد، این دو تیره عین وحدت است و هر کس خیال نماید که این دو تیره کی مورث خرابی است از معنی مشروطیت واقف نگردیده باید گفت (همچو شیری را خدا هم نافرید) شک نیست که امروزه این دو تیره کی وکلا در مجلس ناقص است ولی هر وقت هم که شروع می شد مبتلای همین نقائص میشدیم چون اول و آخر مجبور به دو تیره کی هستیم امروز نباید

گفت چرا شد زود بود یا دیر، باید دو تکمیل آن سعی کرد و کوشش در رفع نقائص او نمود پس گمانیکه این دو تیره کی مجلس را ندانسته مذمت کرده دوره محمد علی را گوشزد میکنند (در آن زمان ما هم با آنها همراه بودیم) اولاً باید بدانند که آن سیو بشکت و آن بیاه ریخت، و دیگر آنکه در دوره محمد علی چون جمیع حواس دولت در تخریب مجلس بود، دو تیره کی وکلا سبب قسوت او میگردد ولی ازین و بعد آن تصورات خواب و خیال است

باید دانست در صورتی که سردارین فاتحین طهران استعفا داده و قبول هم شده باشد کنارگیری آنان تالی کنارگیری بسارک خواهد بود، میگویند امپراطور حالیه آلمان روزی نزد بسارک آمده اظهار فرمود و میل دارم افتخارات شخصی شما را بملت آلمان تجزیه نمایم، فوراً بسارک استعفا داده کنار گرفته، و از آنوقت ملت آلمان عظمت حاصل نمود چه تمام مردم اعم از خارجه و داخله استقامت دولت آلمان را بوجود بسارک بسته میدادند، ولی همیشه ملت آلمان در کنارگیری بسارک نیز همه روزه بر اهت و اجلال خویش افزود بر عالمیان ظاهر شد که این عظمت شامل حال ملتی است که مانند بسارکی را پیدا کرده است

ملی کناره جوئی سردارین هم مانند بسارک آلمانی برای بخشیدن افتخار بوطن خود ایران است، چه امروز اهالی داخله و خارجه را گمان این است که آنچه پیش آمده سردارین کرده و آنچه هم هست بوجود آنها بسته است، ولی وقتی دیدید که سردارین هم کناره گرفته باز هم کارمانند اول یا بهتر از اول در محور خود میگردند، آسمه افتخارات شخصی سردارین در ملت ایران نوعیت پیدا میکند و این نکته هم یکی از آن علتها بود که یا ما از ابتدا صلاح نمیدیدیم سردارین فاتحین قبول وزارت نمایند، و مسلم است چنانچه بسارک در ایام انزوای خود کمال مساعدت را بدولت خویش می نمود سردارین ما هم در انزوای خود منتهای مساعدت را بدولت خویش خواهند نمود

بتول یکی از سیاسیون، مشروطیت ایران تا وقتی که سردارین بروی کار اند شخصی است به نوعی و در انظار خودی و بیگانه وقتی مشروطیت ایران قوام پذیر خواهد گردید که این شخصیت بنوعیت کراید، چون اعتماد ما بخلوص نیت سردارین بدرجه کمال بوده و هست برخلاف دیگران تصور نمایم (در کنارگیری که ایامی معدود است) بر مساعدت حکومت احرار قدیمی بردارند بلکه، بقفیده ما پیش ازین مانند بسارک و سایر رجال متمدن مساعدت بدولتیکه

خود مؤسس آن هستید خواهند نمود، و هرگاه خدای مخواستار ما در این عقیده خاطی باشیم باید طالبان مخطا باشند که سردارین جلیل القدر و لایق همه گونه افتخارات تاریخی می بنمایند

اعتراض فرقه احرار با عبدالیون که دارای حکومت بحالیه اند این است که در عرصه ده ماه حکومت خود چرا نباید قشون بیگانه ترك ایران را گزیده باشند؟ چرا نباید امنیت تمامه در کلیه بلاد ایران قائم گردیده تا معاذیر خارجه مرتفع گردد؟ چرا نباید اقلایك اردوی بیخبر از نوری از روی صحت برای نمونه و سرمشق آینده تشکیل شده باشد؟ چرا باید غالب بلاد بی حاکم یا با حاکم حاکم خانه سابق باشند و ادارات در پیشتر آنها دایر نگردیده باشد؟ چرا نباید وکلای بلاد را حکام تاکنون فرستاده باشند؟ چرا باید همین که شمال امن شد جنوب منقلب شود و بهانه باجانب بدهند؟ چرا نباید سخت از دول همسایه بخواهند که قشون خود را حرکت دهند؟ چرا اینقدر اصرار باستقراض خارجه و آنکسی از روس و انگلیس دارند؟ چرا اینقدر بستگان کم قابلیت خود را بکارهای پر قابلیت می گمارند؟ چرا باید کسانی که تا دیروز در راه محمد علی شمشیر میزدند امروز دست راست شما باشند، با هران چرا های دیگر

و نیز طبقه احرار میگویند که اعتدالیون مرعوب روس و انگلیس شده و ازین رو در مقابل تجاوزات آنان سخت نمی ایستند و همین نکته برای استقلال ایران دارای خطرات عظیم است، عزل علاء السلطنه هم همین الزام بود، مسلم است که تبدیل حکومت هم اگر بشود سبب همین خواهد بود، برخی را عقیده این است که حکومت حاضر در دامن روس و انگلیس نشسته و حفظ مقام خود را در عدم امنیت و انتظامات ایران و ایتالی قشون خارجه در داخله ایران میداند،

این نکته را هم میگویند که دوستان روس و انگلیس برای حفظ منافع خویش فرقه اعتدالیون که دارای حکومت اند جداً حساب میکنند برای گم کردن بی اظهار میدارند که آنان آلمان را طرفدار خود و ملتیان یعنی احرار جلوه میدهند و این قوه الکتریزی که تازه در فرقه احرار به مقابل اعتدالیون پیدا شده از آلمان است، اعتدالیون از مرعوبیتی که از روس و انگلیس حاصل نموده در هرگونه خواهش روس و انگلیس حتی از استقراض از آنها با آن شرایط سخت حاضر شده بودند، طلب کردن سردار و سالار از تبریز و کوشش در حرکت دادن آنها از ایران تمام بر حسب میل و خواهش همسایگان بوده ولو با تمام

حکومت حالیه آنچه کرده بر حسب اقتضای وقت بوده و باید حل صحت نمود، ولی باز هم نمی توان تصدیق کرد که مسلک حکومت حالیه بحال ملک و ملت و استقلال ایران بموقع واقع گردیده حالا باید منتظر حکومت فرقه احرار باشیم که امروز نه فردا بروی کار خواهند آمد

عقیده شخصی ما این است که بر حسب مقتضیات کنونی و پیش آمد های سیاسی ایران فعلاً تبدیل حکومت اشداً ضرورت را پیدا کرده و تا حکومت بدست اعتدالیون است قشون بیگانه از ایران خارج نخواهد گردید و جهت همان مرعوبیت و با بیادت خوشامدانه ملاحظه نزا کتهای سیاسی است که فقط ایرانیان بد بخت باید به نمایند

ملت ایران باید هونیار شوند

امروز که در صفحات جرائد عالم نظر اندازیم ملاحظه خواهد شد، نیست جریده صحت بحث از استقراض داخلی ایران نماید، اخباراتی که حیات حریت ایران میباشد با امید واری تمام و شرق و شغنی مالا کلام این خبر را گوشزد عالمیان نموده، ایرانیان را از این همت عالی و بیداری حس تبریک و تهنیت گفته استقلال ایران را با لاجه شیوا و کمال دلکس نوید میدهند جرائد مخالف همینکه بحث از استقراض داخلی پیش می آید بایک لاجه مستهزاه ایرانیان را تمسخر نموده مینویسند ایرانیان تا کنون با از دائره قوالت بیرون نه نهاده پیرامون فعالیت نگشته اند، استقراض داخلی ایران هم مانند تشکیل بنک ملیشان است که سه سال قبل طالی را کر کردند ولی چون بنک بقول آنها تشکیل نمیشد جز یک اقتضاح فوق اقتضاحات دیگر نتیجه حاصل نگردید، حالا هم همان تشه در پیش است، تا وقتی که بلایه فعلیت و دادن پول در میان نیامده همیشه ایرانیان در دادن قرضه بدوات منتهای گرم جونی را ظاهر داشته پنج کرور که سهل است پنجاه کرور هم بزبان قرض بدولت خود خواهند داد، ولی همینکه فعلیت میان آمد، رسوائی فوق رسوائیها در ایران بار خواهند آورد، نتیجه که حاصل شود این خواهد بود که این هیاهوها چندی دولت را مشغول و مملکت را در حال شکستگی گذارده احتیاجات را قویتر ساخته طاقت بشرایلی سخت تر دولت را مجبور باستقراض از دو همسایه خواهند ساخت

ولی ما منصفانه تصدیق این اقوال را نتوانیم نمود و نمیتوانیم گنفت که ایرانیان در پیشرفت مقاصد ملیه و استقلال وطن عزیز خویش فعالیت ندارند فقط چیزیکه محل شبهه نیست قوالت شایع پیش از فعالیت شان است، و گویا این طاعت طبیعی ملی

انکار فعالیت ایرانیان علناً انصاف را شریک نبودن است هرکس نقشه واقعات چهار ساله ایران و سایش همسایگان را در جلو رو نهاده و در فعالیت هایکه در این مدت از ایرانیان بهره شهود آمده. انکار نتواند نمود که فعالیت ایرانیان در این اول وهله از سایر ملل تازه بدوران رسیده کتر نبوده است. ایرانیان در جان بازی برای استقلال و حب آزادی از هیچ ملت عقب نبوده اند. چه و موز دانان سیاست را پوشیده نیست که ایرانیان در حفظ حقوق خود تنها مبتلا بدفاع خودی نبوده بلکه با تمام قوای استبدادیه که در آنوقت منحصر بروس و عثمانی بود مشغول مدافعه و زدو خورد بودند. و تا کنون هم در مقابله روس از فعالیت باز نایستاده و مهارت نیز مقضی المرام آردیده اند. و با همین فعالیت عقلانی که اختیار نموده عنقریب بر گردن آرزو سوار خواهند گردید.

بد بختانه که به تشکیل بنک ملی نگردیدند تصور از ملت نبود. دولت و دولتیان با دستهای قوت مائل به تشکیل بنک نبودند. دستهای خارجه هم که این اساس سعادت ملی را مضر منافع خویش تصور میکردند درانهدام این اساس کوشیدند. همان دستهاییکه راه آهن بندر محمود آباد و کار کردن در معدن آهن و تخریب کارخانه قند سازی، بلور سازی، کبریت سازی. و سد ها امثال آن را مانع آمدند از تشکیل بنک ملی ما هم جلو گیری کردند. مع ذلک ملت در آن باب هم تصور به نمود با هم خشک و خالی مبالغی بول داده نهایت رندان تلاش با دولتیان ارباب دست یکی شده بودا را زده این بنک را بروی ملت باقی گذاردند. با اینکه نمیتوان گفت در آن حال ملت ایران فعالیت خودشان را ابراز ندادند. چه بلند شدن مسئله بنک ملی برای جلو گیری از استقراض توام دولتیان بود و تا کنون که بمحافظه نگذارند دولت زیر بار قرض خارجی با آن شرایط منحوسه برود. و این کمال فعالیت بود که چهار سال کامل دو دولت همجوار و دولتیانی که دهان ها برای وجوه استقراض باز نموده بودند بهین تدابیر دور سرگردانده و عاقبت هم دست رد بر سینه آن ناخرمان زدند. از انصاف نمیتوان گذشت با اینکه ملت ایران با یک هیئت صادق تا کنون تصادف نموده هر وقت و در هر موقع که بنای بروز حیوتمان شده مالا و جتا فعالیت خود را ظاهر داشته اند. و مارا در کامیابی دولت درین استقراض داخله شبه نمیرود فقط خوفی که خارج از این است که اصولی صحیح در نگاهداری وجوه استقراض برقرار نداشته مانند وجوه سابقه

بخت از میان برود. هم احتیاج دولت و ناامنی مملکت باقی ماند و هم زبان شهادت اجانب بر فعالیت ایرانیان دراز و هم مجدداً ناچار باستقراض از خارجه شویم ایرانیان بدانند که پیدا کردن پول نسبت بصرف کردن او از روی صحت چندان دشوار نیست پیش از آنچه اقدام در جمع آوری پول در داخله نمایند باید سعی در حفاظت او بشود. پول بی پیر که در چنگ جنس ایرانی بیاید چه می شود؟ همه میدانیم. لذا برای حفظ شرف برای حفظ ناموس اعتبار دولت. برای حفظ استقلال بر فرد فرد ایرانیان واجب است که تا آخرین نقطه اقتدار خود در نگرانی و حفظ وجوه استقراضی بکوشند چه همین کوشش آنها در حفظ این وجوه سبب ازدیاد اعتبار دولت و جمع صد کرور وجه در داخله خواهد گردید. و اگر کوشش درین امر نشود درین ماده نیز جز ندامت بار نخواهیم آورد حضرات آیات الله نجف اشرف و انجمنهای ایالتی و ولایتی و وکلای محترم و جرائد ملیه راست که بیشتر از جمع وجوه در حفظ آن کوشش نمایند احدی حق ندارد بگوید چرا به اقوال خشک و خالی ما اعتبار نمی نماید. هرگاه امین ترین اشخاص را هم بروی اینکار گذاریم متمرکز هیچ نبری نخواهند شد. باید وضعی بروی کار آورد و اصولی اختیار کرد که هرگاه متقلب ترین مردم را بروی کار گذاریم ممکن برقلب نداشته باشد

این نکته را هم ناگفته نمی گذاریم که همسایگان صاف نیت و دوستاران يك طینت با آن دستهای داخلی و آن نیرنگهای کذائی در عدم کامیابی ما در این استقراض داخلی و در صورت کامیابی در ضایع نمودن وجوه استقراض و بی اعتبار ساختن دولت نزد ملت و مجبور ساختن دولت به دراز نمودن دست استقراض مجدداً نزد دولتیان دقیقه فروگذار نخواهند نمود. چنانچه برای ریختن چنین استقراض توامی بخلق ایران از چهار سال باین طرف چه نقشه ها کشیده و چه رنگها با آب زده اند مسلم است که تا کنون هم از یای نمشسته و نخواهند نشست

این است که میگویم فرد فرد ایرانیان راست که در محافظه وجوه استقراض بکوشند و نگران ملت عبارت از این است که بالاتفاق از مجلس ملی تقاضای اصولی نمایند که احدی قادر بر تباب نشود. ورنه اگر پول بی پیر را بدست عابد (برصیصا) هم ببارند شبهه تلب در او خواهد رفت و بواسطه نداشتن اصول علمی است که در محافظه او نگران با آن همه جد و جهد وکلای ما نمیتواند بگویند دست گاه دولت بدون حیف و میل است

▶ لایحه حضرت مستطاب بندگان آقای
(صدرزاده مدظله العالی)
(اصلاح ایران با علماء است)

صاحب هر دینی قوت و تعالی دین خود را
خواهان است، و این قوت و بقاء نشاید مگر در
سایه استقلال ارباب دین، و استقلال آنان صورت
خارجی نگیرد مگر با اصلاحات ادارات دولتی، و اصلاحات
دولتی نخواهد شد مگر بمصومیت سلطان یا تقیید
بقانون اساسی - و مصومیت آن معلوم نشود
مگر به اخبار علام القیوب، و تقیید غیر مصوم ممکن نیست
مگر بقیام عموم ملت در طاب حقوق مشروع خود .
حضرت ختمی مرتبت (ص) تمام مسلمانان را
قولا و فعلا بسوی این مقصد عالی دعوت فرموده
و خود آن مرور و اوصیای طاهرین (ع) او در این
راه بسی مصایب متحمل شده و این مقصد عالی در
این زمان واقع نخواهد شد، مگر با اصلاح ادارات
سیاسیه و تهذیب اخلاق و آداب ملت، و این اصلاح
متوقف بقیام عموم ملت است . و چون قیام تمام
ملت ایران امکان ندارد مگر بنام دین و حب
استقلال، و دوستی وطن در قلوب عامه جای گیر
نخواهد شد مگر در سایه شریعت، و اینهم صورت
خارجی پیدا کند مگر با اقدام علماء و جلو افتادن
آن ذوات طیبه در داوطلبی اصلاح و حفظ استقلال،
پس اصلاح ایران با علماء است

علماء جانشین امام علیه السلام میباشند و اولین
وظیفه امام (ع) همانا تقویت دین و نگهداری اسلام
و حفظ ممالک اسلامی است و بقانون جانشینی اولین
وظیفه علماء سی و کوشش در این مقاصد عالیه است
اگر اصلاح سایر ممالک بقیام عموم ملت است
اصلاح ایران فقط بقیام علماء متوقف است و اگر
علماء جلو افتادند بجهت نفوذ که که دارند تمام مقاصد
اصلاح، و ممالک اسلام محفوظ خواهد شد .
بلی اصلاح ایران با علماء است، یعنی با چند نفر؟
(با پنج نفر است) .

نگارنده نمیتواند انکار کند که علماء در این
چند سال از هیچ گونه اقدامی دریغ فرمودند
ولی حینت که اتحاد و اتفاق را از دست دادند،
کیست که انکار کند فعا کاریهای آن ذوات مقدس
و این ولی افسوس که این دایره قولی خارج نمید

همان قدر که اتحاد و اتفاق علماء منفعت دارد
اختلاف و افتراق آنان ضرر دارد
اگر اتحاد و اتفاق آنان خانه آباد کن و
حافظ استقلال است اختلاف و افتراق آنها خانه
بر انداز و استقلال بباد ده ایران است
اگر اثر اقوال و لواط و تلفرات آن ذوات
طیبه و وجود عالی مقدس يك درجه است اثر
افعال و اقدام فعلیشان صد درجه خواهد بود .
اگر علماء اتحاد و اتفاق را از دست نمیدادند
ایران حالی را پیدا نمیکرد، اگر علماء بفضل اقدام
میزرودند آن مملکت اسلامی که قوام مذهب
جهزی (ع) بآنست باین روز سیاه نمیرسیده ولی
افسوس صد افسوس ! .

ای حافظان اسلام، ای هادیان امام، چرا اتحاد
در اقدامات خود نمیبرمائید و جدآ در صدد اصلاح
برنمیائید که موجب نیکنامی و ریاست است در دنیا
و رو سزیدی و ثواب روز قیامت نزد حضرت
ختمی مرتبت (ص)، روز قیامت عذر نخواهید داشت
و نمیتوان گنت چون من به الکفایه بود وجود من
لازم نبود . چون فلان آقا اقدام کرد من اقدام
نکردم، چون مذاق من مخالف بود مخالف شدم،
چون مناقشه در بعضی جزئیات داشتم کنار رقم،
چون فلان آقا در اول کار پیش من نیامد تکلیف
خود را در اقدام ندیدم، چرا واضح نگویم، من
مشروطه بودم او مستبد، من مستبد بودم او مشروطه
ای آقایان باز هم وقت نرفته و فرصتی هست
چه قدر خوب است اتحاد کنید و در يك خط
حرکت فرمائید که چندی نگذرد تمام کارها اصلاح
خواهد شد استقلال آن اسلامی مملکت محفوظ میماند .
الیوم اصلاح ایران موقوف بچند کرور تومان
است و پایه استقلال ایران نخواهد استوار شد مگر
بیول و این بول نخواهد جمع شد مگر با اقدامات علماء
چه قلوب عامه ملت و انظار عموم ایرانیان داخله
و خارجه بسوی آنها متوجه است، اگر علماء در
دادن اعانه اقدام کنند و فرمان لازم الادعان جمع
آوری اعانه ملیه اختیاریه را صادر فرمایند چندی
نخواهد گذشت که فوق این مبلغ جمع خواهد شد
اگر علماء درین اعانه استقلال نسکه دار يك
تومان بدهند دیگران صد بلکه هزار تومان خواهند

داد باوجود اینکه علماء اولی ترند از دیگران .
 اگر مصرف حقوق شرعیه در این مقام نیست
 پس کجاست و کدام مقام الزم است .
 حفظ حیات چند نفر فقیر یا مسکین اولی است
 یا حفظ حیات باقیه جهل ضرور نفوس محترمه؟
 شخصیکه در ولایت خود بی نیاز و در غربت
 محتاج شده باشد اولی است یا دولت ایران که
 قوام طریقه و مذهب جعفری بآن است؟ بنسای
 مساجد و مدارس و مکاتب اولی است یا حفظ
 بیضه اسلام و حراست دین از جانب قرضداری
 که از دادن آن عاجز شده باشد اولی است یا دولت
 حایه ایران؟ آزاد کردن بنده مکاتب که از ادای
 حوجه مکاتبه عاجز باشد اولی است یا آزاد کردن
 مسلمانان احرار از رقیبت اغیار؟
 اینها همه فرع است و حفظ ممالکت اصل . .
 شارع مقدس در راه حفظ دین و استقلال مسلمانان
 بجز چیزی را جایز فرموده و نفوس و اموال محترمه
 ها در این طریق مشروع غیر محترم ساخته و بذل
 حال و جان را واجب نموده . (افروا خفافاً و
 قتلاً و جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله
 ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون)
 ای آقایان بخدا قسم اگر اتحاد و اتفاق
 نکنید و یکدل و یکجهت در تقویت دول اسلام نکوشید
 میکوئی خواهید پشیمان شد که سودی نخواهد داشت .
 ایران همان آب و خاک است که تمام ریاست و اعتبار
 شما بته استقلال اوست و هر چه دارید و ندارید
 ببرکت آب مملکت است . چرا در این موقع نازک
 خطر ناک باو امانت نمیکنید ، بدرد و دوایمی او
 تیرسید ، خلاف انصاف است که پیوسته او از شما
 حلاصه نماید . . رسید آنوقتیکه باید شما ها از او
 حلاصه کنید و با فرزندان روحانی خود همراهی
 نکرانید ، تمام جهل کرور مردم آن مملکت منتظر
 لاس و فرمان آن نواحی مقدسه میباشند که بیک
 لشاره آن سرزمین را از اوت دیگران پاک خواهند
 کرد و کشتی استقلال خود را بساحل نجات خواهند
 رساند .

بلکه اختصاص برمایای ایران ندارد و امر
 واجب الاطاعه آن وجود های مقدس بر هر مسلم و
 عانی جعفری جاریست هر جا باشد و از بیخه هر ذلتیکه

باشد .
 آخر این اعتبار و نفوذ را از برای چه روزی
 نگه داشته اید و کدام زمان اظهار خواهید نمود
 و چه روزی را خواهید . و چه روز سیهی را
 توقع دارید ، که العباد باقیه بعد از این بیاید . .
 شرف اسلام را از پا در نیارود مگر چین و خوف
 مسلمانان و مرعوبیت آنان از دیگران و باور
 کردن بعض اخبار پلنگی رقبا که بواسطه روزنامه
 و تلفرافات و قونسلهای خارجه میان مسلمانان نشر
 میدهند و نتیجه میگیرند

ایضاً

دوستی وطن

هر يك از ایرانیان را که تنگتری خواهی دید
 که پیوسته این لفظ مقدس را وطن و زبان خود
 جاری و دعوی حب الوطن مینمایند ، و همواره وطن
 عزیز گریان در محافل و مجالس و روزنامه ها خود
 نمائی میکنند ، و اگر خوب در حال خود اندر کنیم
 و با دوری حقیقت بین در صحنه قلوب بنگریم
 ابداً اثری از این دعوی رسمی از این مدعا نخواهیم
 مشاهده کرد ، و غیر از لفظ خالی از معنی و
 اسم بلا معنی موجود دیگری نیست ، بلکه تمام
 کرد رمان گواهی می دهد و ابداً بوئی از این علاقه
 شریفه عشاقان نرسیده و هیچ وجه دیده ما حدیث
 شریف معروف (حب الوطن من الايمان) را ندیده و
 اگر به دیده نرسیده

(حب الوطن من الايمان) یعنی دوستی وطن از
 موجبات یا از جمله ایمان است که هر کس ایمان دارد
 لابد وطن خویش را دوست دارد چه ایمان
 موجب تفسیر اول علت نامه دوستی وطن است و
 افکاک علت از معلول در هیچ جائی جایز نیست ، یا
 آنکه ایمان شرایط و اجزائی دارد که دوستی وطن از
 جمله آن شرایط و اجزاست ، هر حال هر کس دوستی
 وطن ندارد بموجب این حدیث ایمان ندارد یا ناقص
 الايمان است ، دوستی علاقه ایست روحانی که حاصل
 از اسباب و موجبات چندی میشود که حصر آن
 غیر ممکن و تا اندازه کیفیت آن معلوم و مکشوف
 است ، چیزی که هست آفتاب دوستی هر وقت از
 مشرق خطاطری طلوع کند لا محاله اوز خود را
 می بخشد ، و در پیشگاه تعالی آن لحظه نور آدینی

خود بخوار مطلوب الاجتیار پانی از سرشناسد و از سر تا پایی، آثار و علامت دوستی و محبت میباشد. (گواه عاشق، صادق، در آستین باشد) آثار و علامت دوستی توجه دوست است به جمیع حواس ظاهریه و باطنیه بسوی محبوب و مطلوب خود و قیام بادای وظائف و حقوق لازمه آن وسی در تحصیل رضا و خورسندی و برهیز از ختم و بی میل او نماید، دوست آنست که محزون و غمگین و خوشحال و خرم شود بحزن و خوشی و خرمی محبوب، و الا او را در شرع وجدان در جریده دوستان ثبت نمی توان کرد.

دوست آن باشد که اگر بگوش بشود فضلاً از اینکه به پند که محبوب عزیز خود در بلا است یا مبتلا برضی است که خوف برحیات او مبرود باید خواب و راحت را بر خود حرام نموده و بسی تمام در مقام رفع بلا و مرض و حفظ صحت محبوب بر آید و محبوب خود را از ورطه بلا و سلطه مرض نجات دهد، پس از آن خواب راحت در بستر استراحت نماید.

ما ملت ایران اگر جاده اصفاف را از دست نداده و مراجعه بوجدان سلیم (اگر داریم) خود نایم، خواهد حال ما مشکوف شد و کذب دعوی حب الوطن آشکار گردد. بواسطه آنکه هیچیک از آثار و علامت دوستی در خود مشاهده نخواهیم کرد چه تمام رفتار و کردار مان بالنسبه بوطن عزیز که محبوب همه است بعینه حرکات و سکنات است که دشمن با دشمن می کند، و با حس و العیان می بینم و حس عزیز در نهایت خطر است. در تهلکه است. در بلا است. و ابدأ کیک ما را نمیگذرد، و در خیال استخلاص و نجات آن مایه سعادت نیستیم، افلاً دوستی وطن را از همسایه شرقی خود (افغانیان) یاد بگیریم

بلی والله ما دشمن وطن خودمان هستیم چه پیوسته سی و تلاش در اضحلال و اندراس این یک مشت آب و خاک می نایم، آثار دوستی را داریم، ولی نسبت بدشمنان وطن که غیر از سلب استقلال و خواری ما غرضی ندارند، تمام اقبال و حرکات خود را منحصر در ضرر و زیان وطن و وضع اجانب نموده و مقرب پیشرفت خیالات آنان درین حیث لا

بهر میباشیم، و بعلی الدوام میگوئیم و در جرات و روزنامهها می نویسیم که همسایه شمالی یا جنوبی بر ما ظلم کرده و حقوق ایرانیان را با پایال نموده، و حال آنکه هیچکس ظلم و تعدی بر ما نکرده بلکه خودمان بخودمان ظلم کرده و تعدی نموده و اسباب فلاکت و پریشانی و خواری را بدست خود برای خود مان فراهم آورده ایم.

عواقب و خیمه این رفتار منحوس و کردار میشوم خانه بر انداز بر همه ظالم و آشکار است ولی چه نمر چه فایده همه میدانیم همه مینهیم، همه آگهیم، ولی علم بدون عمل نتیجه ندارد، نسخه که طایب برای مریض می نویسد نظر بعمل نمودن بآن نسخه است. بدی است که باره کاند نسخه و بمجرد خواندن مقادیر و اوزان ادویه موجب بره مریض و زوال مرض نخواهد شد، و آن نسخه که فعلاً برای این مرض مهلك نقش خواطر عموم ما ها است و همه سواد خواندن او را داریم و مستحضر از تمام خصوصیات او هستیم، چرا عمل نمیکنیم و از قوه فعل نیآوریم، نمیکنیم، نیآوریم سهل است، چرا پیوسته نمک بر جراحت خود می باشیم، چند ماه است و مان عزیز میدان سم ستور دیگران گشته و مورد تصرفات غیر مشروع خلاف قوانین بین الدوله اجانب گردیده و از اصلاحات و رسیدگی بامور مملکت ما مورین را وا داشته و قونسلخانه های خود را پناه گاه مشدین و اشرار قرار داده؛ آیا ما ها چه کرده ایم، کدام اقدام را نمودیم، بلی منتظریم که زید و عمرو چه میکنند و دل خود را خوش کرده که در لندن و پاریس طرف دار داریم، باز میگوئیم وطن دوست داریم.

بمجرد اینکه يك تومان ده تومان از ما ها اعانه بخواهند بجهت اصلاحات ملکی که بالاخره برگشت آن بخودمان است، در اطراف عالم کاند برای میکنیم، و در قونسلخانهها متحصص میشویم، بیرق دیگران بر سر بام خانه نصب می نایم، ورته حمایت از دشمنان میگیریم، تبعه اجانب میشویم. تب بر این دوستی! اف بر این حب الوطنی! مان مان، ای مدعیان حب الوطن، رسید وقت امتحان اینک زمان تجربه است. ساها است که این آب و خاک شما را در آنجوش کشیدیم و در دامن عصمت پاک خود فرویت

نموده و از پستان خویش شیر داده و باین حد
از رشد و کمال و باین درجه از جاه و اعتبار و
ثروت رسانده ، الحال هنگام وفا است وقت اظهار
دوستی است ، زمان همراهیست ، ساعت معاونت است ،
وفا یعنی بدرد وطن رسیدن ، اظهار دوستی
یعنی ناخوش داری کردن ، همراهی یعنی دوا ، ترتیب
دادن ، معاونت یعنی از هیچگونه فداکاری دریغ نمودن
(کل من یدی با ایس فیه - کذبته شواهد الامتحان
اگر سه چهار نفر از اشخاص با ثروت جمع
شوند و چند کرور بدولت متبوعه خویش قرض
دهند نام معایب رفع و کل مفاسد اصلاح خواهد
شد ، اگر هر يك از ایرانیان داخله و خارجه
حو قران بدهند ، مرض بکلی رفع و بهبودی خواهد
حاصل شد و بقاعده کلیه (الناس علی دین ملوکهم)
اول کسیکه با در این میدان اسلام برستی و وطن
دوستی باید بگذارد همانا مقام منبع ریاست روحانیت
و اولین داعی و مرغب ایرانیان باعانه یا قرض دادن
همانا اقدام اولیای امور و وکلای جمهور است ، که هر
يك از اعلیحضرت هایون و وزراء و وکلاء و حکام
و غیره مواجب بکاهه خود را تقدیم صندوق اعانه
بکنند و گوی سبقت را از دیگران بریابند ، چنانکه
برادران عثمانی در اعانه جهازات جنگی همین طریق
را پیوند و پیش بردند ،
بلی واقه کیست که اگر مشامده بکند که
اعلیحضرت وزراء ، وکلاء ، حکام ، مواجب خود را
يك ماه تقدیم کردند و اقدام نکنند و اعانه ندهند ،
بلکه می خواهم عرض کنم که این وجودهای مقدس
اولی ترند از دیگران ، چه بهتر خطیریت موقع را
میدانند ، چه شد غیرت ایرانی بکارت حبت اسلامی ،
اگر اهالی سلطان آباد گوشواره يك علویه
مصومه را بده تومان خریدند ، برادران عثمانی يك
قنجان قهوه را بچهار ده تومان خریدند و بصندوق
اعانه تقدیم نمودند ، اینک عن عبارت روزنامه است
(اجتماع نحو ۳۰ شخصاً علی الزایده فی قنجان قهوه
لتقدیم القیمه اعانه الاسطون (مراکب چینی) العثمائی
خان تبت الزایده علی احمد بمبلغ (۲۸۸) غرشاً (صاغ)
قنرب القهوه حنیفاً و قدم المبلغ المذكور الی الصندوق)
بنازم باین غیرت و حبت ، ای خدای این جوانمردی
اینست معنی دوستی وطن ، اینست معنی حب استقلال ،

اینست معنی حسن قومی ، نبلین است ، معنی اسلام پرستی ،
این است معنی در صدد اصلاح بر آمدن
فلاً مملکت ایران و خانه ایرانیان در معرض
هراج است ، میان ایرانیان و دیگران و بیسج کرور
نوطان پای دیگران رسیده باید منتظر شد که ایرانیان
چه می کنند و مدعیان حب الوطن زیاد دارند یا خیر ،
(آقای صدر زاده)

﴿ اعصموا بعبد الله جیما ولا تفرقوا ﴾
(بشرف آستان مقدس دارا شورای کبرای ملی)
(شیدالله ارکانه میرساند)

چون بدسایس خائن خدار که حتی المقدور در
القاء فتنه و فساد و شق عصای مسلمین کوشیدند
و مملکت اسلام را دوجور مخاطرات و مهالك عظیمه
نمودند ، در اطناء ناثره شورش و آشوب و رفع
غائله منسین بد اندیش که شب و روز در کارند از
عرض دو مطلب نا جا ریم ، اول تحصیل اتفاق و
اتحاد بین تمام افراد ملت و یکدل و یک جهت
بودن اهل مملکت در قطع بد خارجه از داخله و
جلو گیری از حرکات خود مرانه آنها که موافق
با هیچ قاعده و قانونی نیست ، و نام او را جز
وحشیگری و خود سری چیزی دیگر نمیتوانست
گذاشت ، بدیهی است که اگر قومی مرعوب قوم دیگر
باشد ابداً قادر بر حفظ استقلال و آزادی خود
نخواهند بود ، و اگر قومی اتحاد کاه و اتفاق انظار
باشد نه تنها دولت روس که امروزه خودش گرفتار
هراران امراض مهلكه است ، بلکه دول قویه عظیمه
رخنه در کارشان نمیتوانند انداخت ، کسانیکه روسیان
را در داخله مملکت مضر نمیدانند از تاریخ صد
و بیست سال باین طرف فافل و از تلمه جدادی تا
روز قطع بد سارقه روس یعنی محمد علی اطلاع
ندارند ، صدقاتی که در این دوره بر ما وارد آمد
آیا از غیر روسیان بود ؟ آیا گشتن عزیزان بیگناه
و بنه دادن اشرار غیر از طرف روسیان شد ؟
دوات روس که الآن در کمال فقر و پریشانی است
برای چه مصارف عسکر متحمل شده و در داخله
مملکت ما نگاه میدارد ، وهم چنین همسایه دیگر را
که مانند آب زبر کاه در کار است که صوبه جنوب
را قرین اغتشاش و اختلال انداخته و براسیج
بشرفت کار خود بهانه بدست آورد ، دوم تحصیل

تجوه دفاعیه که بواسطه آن جواب بهائیان خارجی بتوان داد و امید اشراق و سفله را قطع نموده اگر ما بقدر آن که امنیت را در تمام نقاط مملکت منبسط سازیم، عساکر منظم داشته باشیم از داخله مطمئن و از جواب خارجه متمکن خواهیم بود. با بودن امنیت حقوق محفوظ و باب هرگونه ترقی متوجح میشود.

لذا خواطر وکلای محترم واولیای دولت و عامه غیرتمندان و طائرا منقط ساخته، اولاً عرض می کنم که در تحصیل اتحاد و تألیف قلوب اهالی جد و جهد تمام داشته، آنها را در کوتاه کردن ایادی خائنین و اعادی دین مبین بتوسط مواعظ و لوائح و جرائد و خطابات همدست نموده بدستیاری خطباء و دانشمندان قلوب عشایر و ایلات را با همدیگر متحد نموده بخصوص الوار و اتراک و اعراب جنوب را که آشوب و شورش بزرگ از آنها مظنون است، و ثانیاً معروض میداریم که در تهیه قوه دفاعیه تحصیل مقدار تخواه کافی لازم است تا انتظامات عسکریه فراهم آورده امنیت را در اقطار و اکناف مملکت قائم نمایند، تا بسبب آت بهانه اجتناب مسدود شده، دست ظلم و تعدی از گریبان ما بردارند، و خیالاتی که در هدم آثار اسلام دارند منهدم گردد، و این نقشه اضمحلالی که اکنون صد و بیست سال است برای ملک و دین ما کشیده اند محو شود

این قهرای فلك زده طلاب مدرسه مرحوم آیه الله طهرانی قدس الله روحه که فرزندان آنحک مقدس هستیم و از دیر گاهی ترقی دین و وطن را منتظر و از برای هرگونه خدمت باسلام و اسلام خانه حاضر بوده ایم، در این امر خیریه بر سایرین سبقت جسته از اجتماع تکلیف چنین دانستیم که امروز قبلی تخواه بعنوان اعانه از میان خود جمع کرده تقدیم کنیم تا بلکه برادران دینی و هم وطنان عزیز تاسی جسته هرکس بقدر مکنت خود همراهی نماید، تا بفضل خداوند منان و نظر مرحمت حجة عصر ارواحنا فداء مملکت اسلام از لوث شورش و مرج و مرج پلک شده، طامه اهالی آسوده و مرفه الحال باشند، اگر امروزه ما چشم انصاف بنظر بحال دین مبین کنیم با او را در کمال فقر و احتیاج و مستحق هر گونه انصاف از اهل بیت و اولاد علیهم السلام و حق المقدور

در راه حفظ و حایثش خواهیم کوشید، و هم بررض آن عزیزان میرسانیم که این وجه قلیل را امنیت بر این ضعیفان نهاده بپذیرند، و به مضمون (ان امدایا علی قدر مهدیا) دست رد بر سینه این دلسوخنگان دور از وطن نگذارند، چه آت عزیزان خود میدانند که در این دوره اخیر بر عموم طلاب نجف اشرف و خصوص اهل مدرسه که بطرف داری معدلت و حقوق معروف بودند از قطع منافع و عروض مضار چها رسیده، برادران و برادران و اعمام ما ما که در ایران کزیل مصارف و معاش ما بودند، بعضی از آنها که در راه حق گوئی و حق جوئی شهید شدند و برخی را ظالمان شدار در معرض نهب و چپاول آورده بریشان و در بدر شدند، و مدت مدید است که روزگار را با فروختن کتاب و اسباب و قرض و نسیه یا بگرسنگی و فلاکت می گذرایم، و این بضاعت مزجات را از فروختن عبا و قبا و قلمدان و فرش و کاسه و اشباه اینها فراهم نموده هدیه خدمت نموده، امید اینکه سایر برادران دینی و وطنی غنی و فقیر وضعی و شریف زن و مرد ساکن داخله یا خارجه کمر همت بسته دین و وطن خود را از طلائم امواج فتن و شرور نجات داده خود را از مسئولیت خدا و رسول (ص) و اعقاب خود خارج و شرف ابدی و سعادت تاریخی را حایزت فرمایند.

و پس از مشورت بنا بر این شد که اساسی این ضعیفان دل خسته فرداً فرداً معروض افتد، تا بلکه برادران دین و ابناء وطن نظر بنام و قدر مقدور ایدعا گویان فرموده، شاید همت و حمیت دین و وطنی آنها مساعدت نموده بیشتر در مقام همراهی و یاری بر آیند، و بمقامات منیعه حضرات آقایان و مشوعین و رؤسا و شیوخ ابداء میداریم که هر يك از آن بزرگان از تابعین و مرؤسین و رفقاء و دوستان جناب خود این امر خیریه و باقیات صالحات را خواستار باشند و در انجام این سرام که موجب ثواب دارین است مشار الیهم را کمال تحریص و ترغیب فرمایند بلکه علاوه بر محلسن فعل مضرت ترکش و نیز مدلل دارند تا همگی بالطوع والرغبه هرکس بقدر مکنت و همت خویش خدمت کند، و ما دعا گویان از بزرگ و متولی مدرسه خود حضرت مستطین

دینار قران تومان

شهریستمدار صفوة العلماء والمجاهدين عمدتالفتواء والمحققين
ظهير الملة والدين ثقة الاسلام والمسلمين آقاى حاجى
شيخ محمد طالقانى دام ظلّه العالی كمال امتنان و تشكر
وا داريم كه مارا با تشويقات وترغيبات بيار باين
موهبت عظمى واصل و نائل فرمودند . همچنانكه
از صدر دوره معدلت و طلوع مهر اتفاق و برادرى
اين بزرگوار آنى از خدمت بعلم اسلاميت وسعايت
در استقلال و ترقى اسلام و اسلام خانه تقاعد نمودند
چه در زمان مرحوم آية الله قدس سره

از خداوند منان مسئلت مينمائيم كه يوما فيوما بر
عمر و عزت ايشان اضافه فرمايد و ساير مؤمنين و
متدينين را توفيق دهد كه تاسى بجناب ايشان نموده
و در اعلاء كلمه حقه مها امكان بكوشند

(عموم طلاب مدرسه آية الله طهرانى قدس سره)

اساسى اعانه دهندگان افتخارى

دینار قران تومان

حضرت حجة الاسلام آقاى آقا

سيد مصطفي كاشانى ۲۵ ۴

حضرت ثقه الاسلام آقاى آقا ميرزا

مهدي آية الله زاده خراسانى ۱۵ ۲ ۴۰۰

حضرت حجة الاسلام آقاى آقا سيد

آقا قزوينى ۵ ۸۰۰

جناب علاء المدين

جناب آقا مير عماد نقيب زاده تبريزى ۳

جناب آقاى آقا سيد حسن بسطام

۱۲ جناب ثقه الاسلام آقاى آقا شيخ

محمد طالقانى ۵ ۸۰۰

جناب آقاى آقا شيخ حسين طهرانى

۲ جناب آقاى آقا سيد على بهباني

جناب آقاى آقا شيخ على محمد خارقانى

۲ جناب آقاى نصر الشريه ۵

جناب آقاى شيخ نعمت الله مازندراني

۲ ۳۰۰ جناب آقا شيخ محمد عراقى ۴

جناب آقا شيخ يحيى گيلانى

۶ ۵۰۰ جناب آقا شيخ اسماعيل ۱

جناب آقا شيخ اسماعيل تنكابونى

۴ ۴۰۰ جناب آقا شيخ زين العابدين طهرانى ۳

جناب على اكبر خادم مدرسه

۱ جناب آقا شيخ جلال الله بن مختيارى ۴ ۴۰۰

جناب آقا شيخ محمد على طهرانى ۱

جناب آقا ميرزا محمود آية الله زاده طهرانى ۵

جناب آقا شيخ آقا بزرگ طهرانى ۲ ۸۰۰

جناب آقا شيخ محمد مازندراني ۵

جناب آقا شيخ محمد رضا طملى ۴

جناب آقا شيخ حبيب طهرانى ۶ ۵۰۰

جناب آقا سيد عبدالله ۴ ۴۰۰

جناب آقا شيخ حسين رشنى ۲ ۳۰۰

جناب حاجى محمود ۵

جناب آقا شيخ محمد جواد ۶ ۵۰۰

جناب آقا شيخ جواد طالقانى ۴ ۵۰۰

جناب آقا شيخ على طالقانى ۱

جناب آقا شيخ عبدالرسول ۲

جناب آقا شيخ محمد كوجورى ۶

جناب آقا شيخ جعفر ۱ ۵

جناب آقا سيد فخرالدين ۲

لايحه جناب مستطاب آقا سيد محمد

(يوسف زاده همدانى)

(كره زمين وطن مقدس نوع انسان است)

وطن يعنى چه؟ مى بينيم كه معنى وطن باختلاف

مراتب دانش اشخاص مختلف ميشود و تفاوت دارد.

مثلاً بچه سه ساله كه تازه قدم بر صفا تميز ميكند

(اگر چه در همارق باشد خيلى رفيع البنيان)

مى بينيم كه چهار آجر بهلو و بالاي يكديگر گذاشته

وطن و خانه خود ميداند. اگر طفل ديگرى بخواهد

تصرف در خانه او بكند فوراً در صدد منع برآمده

جنگ و جدال مياغازد

وقتيكه باوان جوانى و تكليف كه درجه اول

دانايت رسيد خانه خود را وطن ميداند و متصرف

ديگر برا بهر شكل مانع از تصرف در وطن

خودش ميشود و خود را مسئول نيك و بد و خرابى

و آبادى آن خانه ميداند و بس. اگر بگويند فلان

محل را آتش احاطه کرده يا آب غرق کرده در بند

نيست و در صدد رفع بليه بر نميآيد

قدرى كه توسعه در ادراكش پيدا شد شهر

خود را وطن و خانه خود ميداند و حتى المقدور سى

در نيك نامى و آبادى آن ميكند و لازمه اين قدرى

است كه ...

خسیت کند نواقصی که امالی بدان مختلفه برای سایر بلاد میگویند در انواء مشهور است قدری که درجه ابرو اکش بالا تر رفت و در درجات تمدن قدری فرا تر نهاد يك مملکت را وطن و خانه خود میدانند و در ترقی و سعادت آن جانبازی مینمایند و غم نص آن را میخورند و بنای سعادت و وقایت با امالی سایر ممالک میگذارند و این مرتبه از دانش مقتضی است (چون هوای جاه طلبی انسان نهایت ندارد) که کسی در منلوب کردن سایر ممالک بناید و دیگرانرا تحت نفوذ خود بیاورد و هم وسی خود را وقف ترقی و آبادی خاک مختص خود کند

کم کم این اشتباه بین در معنی وطن نفوذ پیدا کرده برادران متفق الحقیقه را بجنک و جدال و خونریزی و داشته بحدی که طرفداران عالم نوعیت و انسانیت را بانم برادران خود نسنایند (نمیگویم جلو تجاوزات نامشروع را نباید گرفت چه که منتهای بی حسی است بلکه عرض میکنم تجاوزات نامشروع را نباید اقدام کرد چه که خلاف نوع برستی است و بر ذمه تمام افراد واجب است که شخص متجاوز را منع فرموده از تجاوز بخصم دیگران متقاعد فرمایند) و حال آنکه کره زمین وطن مقدس نوع انسان است

و در بدو بروز و ظهور سلسله جلیله نوع انسان که بشهادت حس و حکم عقل اشرف مخلوقات است و نوع الانواع که وجود مبارکش شامل جنس عالی و سافل است و سایه همپوشش بر فرق ناقص و کامل در آنوقت و آن زمان تمام انواع سیره طوعاً و کرها ریاست و سلطنت حضرت انسان را کردن نهاده و بتانوی که حضرت ایشان انشاء فرمود تربیت شده جزء جلال و دستگاہ ایشان محسوب شدند و آنچه از ایشان یابی و گردنکش بود اختیاراً جزء اقتدارات انسانی نشد چون قوه مقابله نداشتند و مقاتله نمیتوانستند تاچار در شب جبال و بناه جنگلها گریخته جان از میان بدر بردند

آب و خاک این کره تابناک بحکم آیه مبارکه (وخلق لكم ما فی الارض حیما) ملک طلق و وطن مقدس این نوع جلیل گیرید، چندی بطور اختیار و مالکیت در این صحنه وسیع قدیم زنده

هواهای آزادی و استقلال می نمودند تا کم کم فردی گرفتند و کثرت عدد منشاء اختلاف شد. خویشانرا بیگانه گمان کرده آغاز مباحثه نمود. روزگار بیگانهگی را انجام دادند، و قتیکه کار باخجا رسید از طرف ذیشرف خداوند آسمان وزمین پیغمبران کرام رسیدند که (انا خلقناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا) اختلاف تشب و کثرت اعداد شما را مقدمه تودد و انجساد فرمودیم و شما برعکس بتفاق و عناد میکوشید، شما را چه میشود خالق همه شما من، آسمان و زمین ملک من، شماها تماماً بندگان من، آیا چه میگویند و در این نزاع و اختلاف چه میجوئید؟ (تعالوا الی کلمه سواء یتقا و ینصحکم الا بعدا) بیاید اختلاف موهومه را کنار بگذارید بدر شما یکی، مادر شما یکی، خدای شما یکی، ملک ملک او، شما را آورده اند که در این خاک پاک تحصیل کلمات تابناک نموده خود را که ذاتاً در معرض فنا و اضمحلال هستید به ترتیبی مخصوص باقی و دائمی بنماید و منتهای دوجه لوازم تعیش شما را فراهم فرموده اند که بطور تساوی و برادری و انصاف در این عالم زندهگی و تعیش بنماید، نه اینکه قطع نظر از علت غائی خود کرده در ملک دیگری بدون سند و شاهد ادعای مالکیت نموده برادران خود را دشمن خویش کرده عمری را که باید با نهایت لطافت و نزاکت صرف تحصیل علت غائی خود بنماید در دشمنی و مخالفت و خونریزی برادران خود تمام کند و عنقریب هر يك از شما مرده و ما حاصل او را دیگری خورده خواهد بود بعد از استماع و اصحای این فرمایشات متین و بیامات و صین آنان که حس بیدار و عقل را آشت داشتند بعد از تعقل قبول کردند رشته و داد و دوستی نوع را گرفته با افراد نوع به برادری و رفتار کرده خود غرضی و خود پسندی را ترك نموده راه بیگانهگی و نوعیت را پیروند و بملت غائی آنها که بنای ابدی آنهاست رسیدند (و لا تحسبن الذین قتلوا وسیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون) و آنکه بواسطه خود پسندی غرض شخصی چشم عقل ایشان را کور و گوش نصیحت نبوش شان را کر کرده بود نکول کرده و از این نصیحت که فلاح دنیا و نجات آخرت را متضمن است اعراض کرده دوراندیشی خود بیهوش شتافته بالاخت

بامراض مزمن امراض عصبیه خود و کسالت دیگر را که گفته های ایشان را بی تصور قبول کرده بودند هلاک کردند

اما آن دسته که فرمایشات انبیا و حکما را قبول نمودند صراط مستقیم خیرخواهی نوع را پیش گرفته بنای تسلیم جاهل و نادیده غافل گذاشتند و نادان را بر اقدامی که ممکن بود بدآ و لساناً قتلاً و ضرباً و حبساً و تادیباً بصراط مستقیم خیرخواهی نوع هدایت کردند دارای شعبه مخصوص شده در ترویج طریقه مقدسه خویش مشغول شدند

و آن دسته که روی از قافله سالار سعادت پرتافتند و دنبال اوام خویش شناختند بنای تکبر و تفرعن نهاده برادران خود را که (برادریشان با هزار شاهد وینه ثابت است) به بندگی و عبودیت خود خوانده طوعاً ام کرهاً گردن آنها را در رفته عبودیت و رعیت خود کشیدند و حقوق نوعیه و شخصیه برادران خود را ظلماً و جوراً نصب نموده پایمال خواهمشهای نفسانی خویش نمودند تا کار را رسانند بحائیک در ملک دیگری دعوی مالکیت نموده بلکه اطمینان خدائی کردند، شعبه اینها (جوش موهوملت بر طبایع جهال غالب است) خیلی قوت گرفت چنانچه شعبه خیر خواهان را مغلوب حکم خود نمودند قرونی بر افراد مظلوم نوع انسانی بهمین حله گذشت (و این عذاب جزای تخلف از مصلح مشفق بود) تا ظلم و تحکات فراغه و متکبرین از حد خود گذشته منعکس بشد یعنی از فشار ظلم در طبایع افراد انسانی قوه جدیدی تولید شد که خلقاً و خلقاً بر ضد طبیعت اولی بود (که عبودیت بیجهت فراغه بود) موسوم با آزادی طللی و مساوات خواهی که بر حسب خلقت اولیه در فطرت هر کس مخفی است بواسطه توارد فشارهای ظلم و تعدی از پوست بیرون آمده فطرت اولیه را پیدا کردند ، هر چه فراغه وقت خواستند که مقابله کرده دوباره ایشان را تحت نفوذ و اقتدار خود بیاورند (چون مقابله با قوه طبیعی از محالاست) نتوانستند پس از خلاصی از بخارات کثیفه ظلم و ابرهای متراکم استبداد داخل فضای جهانگیر آزادی شده استنشاق هوای لطیف برادری نموده بزم عیشی فراهم کرده بشریت فحشند، مطرب مجلس زمزمه محبت وطن و ترقی نوع

هوا آغاز کرد و بلوان سرگرم این تراه شدند ولی بواسطه وسعتی که از زمان مأمور استبداد در وجود آنها باقی مانده بود ادهان آنها که بحسب خلقت مستقیم بود هنوز تزلزل و اضطراب داشت باین واسطه در معنی وطن اشتباه کرده باول مرحله و نخستین درجه آزادی قانع شدند یعنی هر طایفه از آنها نام مقدس وطن را بالای قطعه از کره که در حوزه اقتدار شان بود نهادند و وطن پرستی را این طور معنی کردند که فقط در ترقی و سعادت آن قطعه خاک بکوشند و جامعه نیکنمای بیوشند و وطن پرستی را باین معنی در عالم شهرت دادند و لوای مخالفت و بیگانگی با سایر برادران خود (که سکنه سایر قطعات بودند) افراشته نغم نفاق و اختلاف بین الطوائف و امثال کشته شد و هزاران هزار از برادران عزیز ما در سر این اشتباه کشته شد و هنوز هم از این باده غرور سر گرانند و از عریده های ایشان کرور کرور از برادران ما در خون طپانند فقط بعلمت این يك اشتباه که در ماخذ علم خود کرده و معنی وطن را نیز نداده بودند چه خونها که بر خاک ریخته و چه خاک ها که با خون جوانان آمیخته شد چه مزارع وسیع تپاه و چه عمارات عالیه خاک راه شد

(همین مرحله است آن بیابان دور)

(که گم شد در آن لشکر سلم و نور)

شهر های بزرگی که پایمال سم ستوران متجاوزین شده معروف است، اگر بخوایم نتایج وخیمه این

اشتباه را مفصلاً عرض کنم

(مثنوی هفتاد من کاغذ شود)

در این قرن حاضر که تقریباً ابر های مظلم استبداد از جو کره بر طرف شده خورشید علم و ترقی از افق ادراک افراد انسانی طلوع فرموده (و عنقریب در وسط السماء اعتدال ایستاده زوایای وطن مقدس یعنی کره زمین را روشن و تابناک خواهد نمود) خوب است عقلای نوع و علمای دور اندیش تمام طوائف خیالات متفرقه و حواس منشته را جمع فرموده عقل باریک بین خیر خواه را حاکم قرار داده اندکی در این امر خطیر بسیار بسپار مهم وقت و تأمل فرمایند که آیا نوع انسانی (یا اینکه تمام ذرات امروز یا جهوزینده یا متروک و یا

مختلفه سوزی آزادی معینی که ملک الملک حق آنها
 خزان داده و بتوسط انبیا علیهم السلام ابلاغ فرموده
 دیده اند و یا بدرجه ار اتحاد و برادری و مساوات
 که لازمه نوعیت و کثاب در خلقت است (و پروردگار
 شان برای آنها بتوسط کتب آسمانی دستور العمل
 داده) ترقی کرده اند یا خیر؛ اگر میفرمائید که آن
 آزادی را دیده و بان درجه رسیده اند عرض میکنم
 این ملتیک بازیهای رنگارنگ که دول بر ضد یکدیگر
 میکنند چیست و محرک سلسله این فساد و افساد
 چیست، و چرا هر روز اتحادی کرده میخواهند
 دولتی را از میان برده و تروت او را خورده باشند؟
 اگر میفرمائید که خیر تا کنون نرسیده ایم و
 بعد طوایم رسید و فعلاً در راهیم، عرض میکنم
 که تا این درجه از ترقیات که موفق شده اید البته
 به رکت قانون که نتیجه افکار عقلانی نوع بوده
 رسیده اید مراحل بعد از این را با چه خواهید
 پیود

اگر بفرمائید با قوانینی که فعلاً در دست ملل
 و دستورالعمل دول است که در موقع اجرا گذاشته
 عملکت خود را بان اداره میکنند و بعد از این را
 هم یا بهمن قانون یا قانونی که نتیجه عقول و افکار
 باشد نشی نموده بر اعلی درجات ترقی صعود خواهیم
 کرد. عرض میکنم که این قوانین و عمل بر طبق آنها
 نتیجه مطلوبه (که اتحاد نوع انسان و محبت و ووداد
 ایشان است) نداده و نخواهد داد، و این مسئله
 چندان دقت لازم ندارد و محتاج برهان نیست، چه
 که ایرانی طرفدار قانون اساسی خود که حکماً باید
 برخلاف شرع انور نباشد میباشد و هرگز نمیتواند
 تابع قانون اساسی فرانسه و انگلیس که مخالف شرع
 اسلام است بشود، و بالعکس فرانسه و انگلیس و
 آلمان و اطریش و سایر دول قوانین خود را زمین
 نمیکذارند تابع قانون دیگران شوند، یعنی اگر انصاف
 بدیم تعصب همه ماها را مانع میشود که دست از
 نتیجه افکار خود برداشته تابع رای و فکر دیگران
 باشیم خاصه اگر این تعصب مقرون بهزار مانع دیگر
 هم باشد

پس با این وضع حایه که دارد میانیت و یگانگی
 در میان افراد انسان قوت میگردد هرگز روی آزادی
 و مساوات و برادری واقعی نخواهند آمد بلکه

میتوان گفت که استبداد شخصی لباس نوعی پوشید
 هیکل خود را تبدیل نموده بهیثی بدتر و خونریزتر
 و هولناکتر از سابق نمود کرده، یعنی آنوقت اگر
 شخصی حقوق شخصی یا اشخاصی را پایمال و قذای
 هوای نفسی خود میکرد اکنون يك دولت یا
 چند دولت به ترتیهای نهانی (چنانکه افتد ودانی)
 دولتی را با افراد ملتش قربان هوای نفسی خود
 میکنند و قاعده (الحکم لمن غلب) را مایه فخر
 و مباهات مینمایند و قبح این عاجز کشی و مظلوم
 سوزی را از میان برده بلکه تشبث بقاعده مزبور
 نموده صورت رسیت بان کار زشت (که باتفاق
 وجدان تمام خیر خواهان از بدترین منکرات ذمیه
 انسانی است) میدهند. آیا اگر کسی بتواند پشت
 و روی کره زمین را در تحت نظر بیاورد اوضاع کنونی
 و مضادات بیرونی و اندرونی را مشاهده کند چه حکم
 خواهد کرد، سر هم رفته این مملکت عالم را مقدمن
 خواهد گشت یا بنام ننگین نوحش خواهد نامید؟
 آیا نوع پرست تقاضا میکند که دولت متعدیه روس
 دولت جدید ایرارا در چنین موقع باریک برخلاف
 تمام قوانین احاطه کند و بدسایس الحیل نگذارد
 امنیت تامه در اطراف ایرات مستقر شود؟ آیا
 انسابت فتوی میدهد که هر وقت ملت نجیب ایران
 بخواید دری از درهای ترقی را بروی خود باز
 کند دیگران با بنجههای قوی آن در را بسته بلکه
 قفل آهنین هم بر آن در بزنند

پس از تمهید این مقدمات واضح و آشکار شد
 که کره زمین وطن مقدس نوع انسان است و افراد
 انسان نسبت بخاک و آب و هوای این وطن یکسان
 میباشدند، و هیچکس را نمیرسد که تجزیه در وطن
 کرده میانه افراد متحد الحقیقه اختلاف و مباینت
 بیندازد (ذالک هو الضلال المبین) و معلوم شد که
 ترقیات افراد موقوف بنظم و ترتیب معاش است
 بر طبق قانون مساوات که بدون تفاوت و اختلاف
 بر تمام افراد حکم کند تا رفع این اختلاف جگر
 شکاف را از میان برادران نوعی نموده بلکه
 فراغتی یافته با سودمندی دو صدد تحصیل علت فانی
 خود که نتیجه خلق و تربیت آنها بوده برآیند
 حالا بر ذمه وطن پرستان و طرفداران نوع
 انسان است که کنفرانسی مرکب از نمایندگان دوله